

# Explaining the Relationship Between Sustainable Neighborhood and the Principles of Good Urban Governance (Case Study: District 12 of Tehran)

1. Alireza Mahdavi<sup>1</sup>: PhD student, Department of Urban Development, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Hamid Majedi<sup>1\*</sup>: Department of Urban Development, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Zahra Sadat Saeideh Zarabadi<sup>1</sup>: Department of Urban Development, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

\*Corresponding Author's Email Address: majedi@srbiau.ac.ir

**How to Cite:** Mahdavi, A., Majedi, H., & Zarabadi, Z. S. S. (2025). Explaining the Relationship Between Sustainable Neighborhood and the Principles of Good Urban Governance (Case Study: District 12 of Tehran). *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 3(3), 1-31.

## Abstract:

The present study, entitled "Analysis of the Impact of Good Governance Components on Neighborhood Sustainability in District 12 of Tehran," was conducted with the aim of examining the role of urban governance mechanisms in enhancing or weakening various dimensions of sustainability at the neighborhood level. District 12 of Tehran, as one of the oldest and most challenging areas of the capital, characterized by a combination of physical deterioration, high population density, infrastructural deficiencies, and weaknesses in managerial structures, represents a clear example for analyzing the interaction between urban governance and neighborhood sustainability. The significance of this study lies in addressing a real urban planning need in the country: how the implementation of good governance principles can improve quality of life at the neighborhood scale, increase citizen participation, and promote social justice and urban sustainability. This research seeks to fill a theoretical and practical gap in the relationship between governance and urban sustainability within problematic urban contexts. The main objective of the study is to examine whether the realization of a good governance model in urban neighborhoods, with particular emphasis on District 12 of Tehran, can resolve managerial challenges associated with neighborhood development and lead to sustainable, participatory, and equitable development. Accordingly, the primary research question is formulated as follows: Can good urban governance serve as an effective model for enhancing neighborhood sustainability indicators and reducing local management challenges in urban areas of the country? The research method was designed as descriptive-analytical and exploratory. The statistical population included residents of various neighborhoods in District 12 of Tehran, and data were collected using a researcher-developed questionnaire based on a five-point Likert scale. The sample size was determined to be 400 individuals based on Cochran's formula. The statistical tools used included SPSS software for descriptive analysis and assessment of data normality, and SmartPLS software for analyzing measurement and structural models using the Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM) method. The results indicated a positive and statistically significant relationship between urban governance and neighborhood sustainability variables (path coefficient = 0.598, t-value = 15.290). Among governance components, decentralization, communitarianism, spatial justice, and transparency had the greatest influence on explaining neighborhood sustainability. Furthermore, among sustainability dimensions, indicators related to public infrastructure, safety and surveillance, urban environment, and access to cultural and educational services demonstrated the highest factor loadings in the model. Reliability statistics (Cronbach's alpha: 0.970 for governance and 0.927 for sustainability) and convergent validity (0.60) confirmed the high quality of the measurement instrument. From a theoretical perspective, this study contributes to the literature on neighborhood-based development in Iran by presenting an integrated framework combining the concepts of good governance and neighborhood sustainability. From a practical perspective, it can serve as an effective guide for municipalities, urban planners, and policymakers in designing neighborhood-oriented policies, strengthening local institutions, and improving urban management systems. The study also emphasizes that achieving sustainable development in Iranian cities will not be possible without institutional reforms at the neighborhood level and the strengthening of participatory governance.

**Keywords:** Sustainable development, neighborhood, good governance, District 12, Tehran, structural equation modeling.

Received: 28 July 2025

Revised: 04 December 2025

Accepted: 11 December 2025

Published: 21 December 2025



## تبیین رابطه‌ی محله پایدار با اصول حکمروایی خوب شهری (مورد پژوهی: منطقه ۱۲ تهران)

۱. علیرضا مهدوی<sup>id</sup>: دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. حمید ماجدی<sup>id\*</sup>: گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. زهرا سادات سعیده زرآبادی<sup>id</sup>: گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

\*پست الکترونیک نویسنده مسئول: majedi@srbiau.ac.ir

نحوه استناددهی: مهدوی، علیرضا، ماجدی، حمید، و زرآبادی، زهرا سادات سعیده. (۱۴۰۴). تبیین رابطه‌ی محله پایدار با اصول حکمروایی خوب شهری (مورد پژوهی: منطقه ۱۲ تهران). تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۳(۳)، ۳۱-۱.

### چکیده

پژوهش حاضر با عنوان «تحلیل تأثیر مؤلفه‌های حکمروایی خوب بر پایداری محله‌ای در منطقه ۱۲ شهر تهران با هدف بررسی نقش سازوکارهای حکمروایی شهری در بهبود یا تضعیف ابعاد مختلف پایداری در سطح محله‌ای انجام شده است. منطقه ۱۲ تهران به‌عنوان یکی از کهن‌ترین و چالش‌برانگیزترین مناطق پایتخت، با ترکیبی از فرسودگی کالبدی، تراکم جمعیتی بالا، مشکلات زیرساختی و ضعف در ساختارهای مدیریتی، نمونه‌ای گویا برای واکاوی تعامل میان حکمروایی شهری و پایداری محله‌ای به‌شمار می‌رود. اهمیت این مطالعه در پاسخ به یک نیاز واقعی برنامه‌ریزی شهری در کشور نهفته است: چگونه می‌توان از طریق اجرای اصول حکمروایی خوب، کیفیت زندگی در مقیاس محله‌ای را بهبود بخشید، مشارکت شهروندان را افزایش داد، و به عدالت اجتماعی و پایداری شهری دست یافت؟ این پژوهش تلاشی است برای پر کردن خلأ نظری و کاربردی در پیوند میان حکمروایی و پایداری شهری در بافت‌های مسئله‌دار. هدف اصلی تحقیق آن است که بررسی کند آیا با تحقق الگوی حکمروایی خوب در محله‌های شهری کشور با تأکید بر منطقه ۱۲ تهران می‌توان چالش‌های مدیریتی توسعه محله‌ای را حل کرد و به توسعه‌ی پایدار، مشارکتی و عادلانه دست یافت یا خیر. در همین راستا، سؤال اصلی پژوهش به‌صورت زیر مطرح شده است: آیا حکمروایی خوب شهری می‌تواند به‌عنوان الگویی اثربخش برای ارتقاء شاخص‌های پایداری محله‌ای عمل کند و چالش‌های مدیریت محلی را در مناطق شهری کشور کاهش دهد؟ روش تحقیق به‌صورت توصیفی-تحلیلی و اکتشافی طراحی شده است. جامعه آماری شامل ساکنان محله‌های گوناگون منطقه ۱۲ شهر تهران بوده و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای جمع‌آوری شده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر تعیین شد. ابزارهای آماری مورد استفاده شامل نرم‌افزارهای SPSS برای تحلیل توصیفی و بررسی نرمال بودن داده‌ها، و SmartPLS برای تحلیل مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری به روش معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) بوده است. نتایج نشان داد که بین متغیرهای حکمروایی شهری و پایداری محله رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد (ضریب مسیر ۰/۵۹۸،  $t = ۱۵/۲۹۰$ ) از میان مؤلفه‌های حکمروایی، تمرکززدایی، اجتماع‌گرایی، عدالت فضایی، و شفافیت بیشترین نقش را در تبیین پایداری محله داشته‌اند. همچنین، در میان ابعاد پایداری، شاخص‌های زیرساخت‌های عمومی، امنیت و نظارت، محیط زیست شهری و دسترسی به خدمات فرهنگی و آموزشی بیشترین بار عاملی را در مدل داشته‌اند. آمارهای پایایی (آلفای کرونباخ: ۰/۹۷۰ برای حکمروایی و ۰/۹۲۷ برای پایداری) و روایی همگرا ۰/۶ نیز نشان‌دهنده کیفیت بالای ابزار اندازه‌گیری بودند. مطالعه حاضر از منظر نظری، با ارائه یک چارچوب تلفیقی از دو مفهوم حکمروایی خوب و پایداری محله‌ای، سهمی نوین در ادبیات توسعه محله‌محور در ایران دارد. از منظر کاربردی نیز، می‌تواند راهنمایی مؤثر برای شهرداری‌ها، برنامه‌ریزان شهری، و سیاست‌گذاران در طراحی سیاست‌های محله‌محور، ارتقاء نهادهای محلی، و بهبود نظام مدیریت شهری باشد. این پژوهش همچنین تأکید دارد که دستیابی به توسعه پایدار در شهرهای ایران بدون اصلاحات نهادی در سطوح محله‌ای و تقویت حکمروایی مشارکتی امکان‌پذیر نخواهد بود.

کلیدواژگان: توسعه پایدار، محله، حکمروایی خوب، منطقه ۱۲، شهر تهران، معادلات ساختاری.

تاریخ دریافت: ۶ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۳ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۰ آذر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۳۰ آذر ۱۴۰۴



امروزه شهرهای جهان بیش از هر زمان دیگری به مناطقی از انباشت جمعیت شده‌اند. پیش‌بینی‌های جمعیتی نشان می‌دهد که شهرنشینی به سرعت در حال گسترش است (1). به طوری که در کمتر از ۱۰۰ سال، مقدار جمعیت شهرنشینی از ۱۵ درصد رسیده است و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ این مقدار به ۶۶ درصد برسد (2). به همین جهت با افزایش سریع جمعیت شهری در کشورهای مختلف در کشورهای در حال توسعه، مشکلات فراوانی را برای سیاست‌گذاران، مسئولین و به خصوص مدیران و متصدیان بدنه سیستم شهری به وجود آورده است (3) از این رو می‌توان شهرنشینی را یک پدیده جهانی پنداشت که به طور چشمگیری در قرن اخیر گسترش یافته است (4) این روند افزایش جمعیت شهرنشینی در ایران طی چند دهه اخیر، مشکلات و پیامدهای منفی بسیاری به همراه داشته است (5) که از جمله پیامد آن می‌توان به افزایش شمار شهرها از ۲۰۱ شهر به ۱۰۱۲ شهر طی همین مدت اشاره کرد (6).

در این زمینه، تلاش‌های فراوانی برای حل این مشکلات انجام گرفته، که دیدگاه توسعه پایدار ماحصل این تلاش‌ها می‌باشد. اندیشه محله پایدار نیز در دل توسعه پایدار و مباحث مربوط به آن شکل می‌گیرد (7) توسعه پایدار در مقیاس محله به معنای ارتقاء کیفیت زندگی در آن، شامل همه ویژگی‌های اجزای زیست محیطی، فرهنگی، سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی بدون ایجاد مانعی برای نسل‌های آینده می‌باشد (8, 9). در واقع توسعه پایدار محله‌ای عبارت است از فرایندی مبتنی بر مشارکت داوطلبانه و خودجوشانه بین ساکنان یک محله در جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی (10).

از طرف دیگر، این افزایش جمعیت شهرنشینی باعث مشکلات زیست محیطی، گسترش فقر شهری و اسکان غیررسمی، مشکلات زیرساختی از جمله آب، مسکن و نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی متعددی شده (11)، که این خود چالش عمده‌ای برای مدیریت شهری محسوب می‌شود (3). با توجه به این تعریف، برای رفع این مشکلات و چالش‌ها در سیستم مدیریت شهری نوین، الگوهای متعددی مطرح شده که یکی از مهمترین این الگوها، الگوی حکمروایی خوب شهری<sup>۱</sup> است که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح گشته و به عنوان مدل غالب در مدیریت شهری شناخته می‌شود (12) و از مهمترین رویکردها در این زمینه به شمار می‌رود. در حال حاضر این رویکرد تنها راه خروج از بن‌بست، فقر و توسعه نیافتگی شهرها محسوب می‌شود و مدیریت شهری چاره‌ای جز اجرای آن ندارد (موحد و همکاران، ۱۳۹۲).

در این الگو تلاش می‌شود با تعامل بین کنشگران مختلف شهری، مدیریت امور به نحو مطلوب شکل می‌گیرد تا همه بازیگران و شهروندان دارای نقش فعال در روند تصمیم‌گیری‌ها شوند (13). به طور کلی، مسائل زیست‌پذیری شهری نیز در عصر حاضر با پیچیدگی‌های مختلفی روبرو است که حل مسائل و مشکلات ناشی از آن صرفاً با تکیه بر مسئولیت‌پذیری مدیران و شهروندان و افزایش تعامل بین بخش دولتی، خصوصی و عمومی برای حل مشکلات زندگی شهری خارج از چهارچوب‌های سنتی را ارائه می‌دهد (14, 15).

بر اساس این الگو، هر اندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثر بخشی دولت در یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمروایی در آن جامعه برای نیل به توسعه پایدار مناسبتر خواهد بود (16) با این توصیفات به لحاظ اینکه حکمروایی خوب بنابر شاخص‌های مطروحه شامل گستره‌ی وسیعی از مشارکت‌ها و همکاری میان مردم، دولت و بخش خصوصی است، این رویکرد می‌تواند به عنوان فرایندی مشارکتی

<sup>1</sup> Urban good governance

در پایداری و توسعه محلات موثر باشد (17). تداوم و ایجاد موازنه ی پویا و پایدار میان عوامل طبیعی، اجتماعی و اقتصادی که منجر به وضعیت مطلوب در جامعه‌ای گردد، متأثر از شرایط مدیریت و اداره صحیح و منطقی آن است، به همین منظور یکی از الزامات تحقق بخشی توسعه پایدار، وجود یک نظام سیاسی مبتنی بر مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها یا همان نظام اداره مردم (حکمروایی خوب) می‌باشد (18).

حکمروایی شهری موجب می‌شود در عرصه تصمیم‌گیری‌های شهری حداکثر استفاده بیهیبه از ظرفیت‌های صورت گرفته و حل مشکلات، کارآتر و موثرتر شده و در نهایت محیط شهری راحت، مطلوب و مناسب برای همه شهروندان به وجود آید (19) ضرورت توجه به این رویکرد، برای این که یک جامعه در فرایند مدیریت امور موفق‌تر عمل کند، نیاز است تا فرایند تصمیم‌گیری‌ها، تعیین اهداف و اقدامات با همکاری بازیگران کلیدی انجام شود. مشارکت فعال توسط این بازیگران در تعیین موفقیت یا شکست هر تصمیم بسیار مهم است (20) در نهایت، هدایت و توانمند ساختن اجتماعات محلی و بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های آن‌ها یک بنیه قوی برای تصمیم‌گیری‌ها به وجود می‌آورد و موجب ارتقاء کارایی طرح‌ها و تصمیمات می‌گردد (21).

مساله اصلی آن است که در فرایند حکمرانی خوب و تمرکززدایی در بیشتر موارد تنها بر انتقال وظایف و مسئولیت‌های دولت مرکزی به شهرها تاکید می‌شود و منابع مالی و غیر مالی لازم برای انجام آنها وجود ندارد (22) بنابراین حتی اگر تمرکز زدایی تصمیم‌گیری را به مردم نزدیکتر کرده باشد، مدیران شهرها و استانها اغلب با مسئولیت بیشتری مواجه هستند (23).

مدیریت شهری در کلانشهر تهران نیز چون سایر شهرهای بزرگ ایران بجز تفاوت در جزئیات از همان الگوها و ساختار مدیریتی حاکم بر کشور پیروی می‌کند (وزیری نصیرآباد و همکاران، ۱۴۰۱). از اینرو اصلاح و بازنگری ساختار نظام مدیریتی در کشور و تطابق آن با تحولات نوین در عرصه مدیریت شهری به طور جدی ضروری می‌باشد و می‌بایست ما بین رویکردهای نوین و شرایط و ویژگی‌های ضروری اجتماعی، اقتصادی حاکم بر مدیریت شهری ایران از رهیافت‌های موثر در اصلاح و ارتقای مدیریت شهرها بهره برد (6)؛ بنابراین در حال حاضر رویکردی که به عنوان اثربخش‌ترین، کم هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت شهری کلانشهر تهران معرفی می‌شود «حکمروایی خوب شهری» می‌باشد. نیم‌نگاهی به وضعیت مدیریت شهری در ایران و کلانشهر تهران نشان می‌دهد به دلایلی چون تمرکزگرایی، برون‌زا بودن برنامه‌ها و طرح‌های شهری، اقتصاد رانتهی و مبتنی بر نفت، مدیریت شهری تحت تأثیر دولت است و مدام از مدیریت سیستمی و یکپارچه فاصله گرفته و در گرداب مدیریت بخشی و سلولی گرفتار آمده و همچنین از روند شهرنشینی و مسائل برآمده از شهرنشینی، عقب مانده (24) و در دیدگاهها و نگرش‌های از بالا به پایین گرفتار گردیده است (15).

منطقه ۱۲ تهران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیازمند سیستم مدیریت جدید و پویاتری است تا بتواند میزان اثر گذاری خود را در شهر افزایش دهد. به عبارتی تنگناهای مدیریتی موجود می‌بایست موجبات تغییر رویکرد مسئولان و برنامه ریزان نظام مدیریتی به جلب مشارکت و همکاری سازمان‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و مردم (سازمان‌های جامعه مدنی) را در جهت نیل به پایداری به همراه داشته باشد و این رویکرد، حکمروایی خوب در پایداری شهرها و روستاها و محلات کشور، تهران و منطقه ۱۲ آن نامیده می‌شود (25)؛ رویکردی که دو مفهوم «توانمندسازی» و «مشارکت» را در استخوانبندی خود داراست و بر این عقیده استوار است که با بسط توان انسانی و تبدیل ثروت انسانی به ثروت اجتماعی (چه در محیط‌های شهری و چه در محیط‌های محله‌ای و روستایی) زمینه‌ی لازم را برای فرایند توسعه‌ی همکارانه در محیط «مردم محور» محلات یا «محله محور» شهر فراهم آورد (10).

فرسودگی کالبدی و عملکردی بافت‌ها، الگوی نوسازی آن با توجه به هویت تاریخی و ارزش‌های فرهنگی و فقدان برخورد یکپارچه با عناصر تاریخی محله (26)، انجام مداخلات مرمتی بدون مبنا، وجود ناهنجاری‌های اجتماعی در محلات، بالا بودن فقر و بیکاری، ضعف و تشتت فرهنگی (27)، مهاجرت، کمبود منابع آبی و گرمای بی‌سابقه‌ی ناشی از تغییرات اقلیمی جهانی توأم با شدت و حدت بروز فرهنگ مهاجر، ضعف تسهیلات و خدمات، ضعف عملکرد و پاسخگویی مدیریت شهری و فقدان ساز و کارهای مشارکتی (28) همه و همه از جمله چالش‌های درگیر در محلات شهری این منطقه است که بیش از پیش با از دست دادن حیات شهری به طور فزاینده به سمت رکود و فرسودگی رفته و اهمیت وصول به پایداری را بیش از پیش آشکار کرده است. بنابراین هم پوشانی دو مقوله‌ی بسیار مهم حکمروایی و محله پایدار در عرصه‌ی مدیریت و توسعه‌ی شهری می‌تواند راهگشای ابعاد پایداری محلات و در تعقیب آن شهرها باشد.

اهمیت و ضرورت این پژوهش در آن است که به‌جای رویکردهای کلی‌نگر در سطح شهر، تلاش کرده تا سازوکارهای حکمرانی را در سطح خرد - یعنی محله - بررسی کند. این سطح از تحلیل می‌تواند نتایج بسیار کاربردی‌تر برای سیاست‌گذاران و مدیران شهری به‌همراه داشته باشد. به‌ویژه آنکه در شهرهای پرچالشی چون تهران و منطقه ۱۲ آن، سیاست‌گذاری در سطح محله و با تمرکز بر ویژگی‌های بومی هر منطقه، می‌تواند راهبردی مؤثر برای تحقق توسعه پایدار و پاسخ‌گو باشد. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای طراحی مدل‌های سیاست‌گذاری محله‌محور و مردمی‌گرا مورد استفاده قرار گیرد که در آن مشارکت شهروندان، عدالت توزیعی و پاسخ‌گویی نهادی در کانون قرار دارند.

لذا نگارنده گان در صدد تبیین پایداری محلات شهری ذیل چارچوب حکمروایی خوب شهری و ارائه‌ی راهکارها و الگوی مناسب هستند که می‌توان این مقصود را به ترتیب شرح ذیل خلاصه نمود: شناسایی ویژگی‌های محله‌ی پایدار از منظر حکمروایی خوب شهری؛ تبیین رابطه میان الگوی حکمروایی خوب و محله‌ی پایدار و میزان تاثیر آنها؛ ارائه الگوی محله‌ی پایدار بر اساس حکمروایی خوب شهری.

بر این اساس هدف این مقاله دستیابی به الگویی از محله‌ی پایدار بر مبنای حکمروایی خوب شهری در منطقه ۱۲ شهر تهران است تا بتواند زمینه مناسبی برای رفع مشکلات و موانع در این منطقه فراهم آورد و به دنبال پاسخگویی به این سوال نیز می‌باشد که آیا با تحقق الگوی حکمروایی خوب در محله‌های تهران (با تاکید منطقه ۱۲)، چالش مدیریتی توسعه محله‌ای حل شده و توسعه پایدار محله‌ای محقق می‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان با توجه به الگوی حکمروایی خوب، چالش‌های پیش روی برنامه ریزی توسعه محله‌ای را بر طرف کرد و این الگو می‌تواند نسخه شفا بخش برای کاهش فقر، عدم توسعه یافتگی، مشارکت خود انگیخته مردمی و در نهایت رسیدن به عدالت اجتماعی در سطح جوامع محلات منطقه ۱۲ تهران باشد؟

## مبانی نظری

مبحث حکمروایی خوب شهری که از دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات توسعه پایدار شده از جمله موضوعاتی است که مورد توجه بسیاری از محققان شهری قرار گرفته است (29) در اواخر دهه ۱۹۸۰ با افزایش شدید فقر و نابرابری‌های اجتماعی که این خود از پیامدهای ناکارآمدی دولت محسوب می‌شد، باعث گردید تا بانک جهانی به عنوان اولین نهاد و سازمان بین‌المللی‌ای که مفهوم حکمروایی خوب را به کار گرفت به این موضوع بپردازد که مسئله حکمرانی یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت کنندگان کلید واژه مهمی برای توسعه پایدار است (30) این نهاد بین‌المللی در سال ۱۹۸۹ درباره‌ی

ناکارآمدی دولت‌های توسعه نیافته در زمینه‌های مختلف خصوصاً مباحث اقتصادی، در طی گزارشی عامل ارتقاء و بهبود شرایط سیاسی و اقتصادی این کشورها را بکارگیری حکمروایی خوب عنوان کرده است ((31)).

از این رو می‌توان بیان کرد که حکمروایی خوب با مردم سالاری و توسعه اقتصادی اجتماعی ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد و امروزه بحث اصلی در گفتمان توسعه به حساب می‌آید (31). برایان مک لاین اولین بار نظریه حکمروایی خوب را در سال ۱۹۷۳ ارائه داد که بیانگر فرآیندی بود هم حکومت و هم جامعه را در بر می‌گرفت؛ پس از او نیز «مک کینلی» و «اتکینسن» هم این بحث را ارائه کردند (32) در همین راستا «کارلیک» حکمروایی خوب را شیوه مدیریت کارآمد امور عمومی از طریق برپایی حاکمیت و قواعدی (33) مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی افراد و گروه‌ها می‌داند (34).

بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع مفهوم حکمروایی خوب به وسیله نهادها دولتها متولیان امور شهری و مردم و با تاکید بر تجارب و علاقه هر یک از گروه‌های نامبرده به صورت گوناگونی تعریف می‌شود (31). حکمرانی خوب مطابق تعریف برنامه عمران سازمان ملل به عنوان اداره امور عمومی با تاکید بر حاکمیت قانون سازمان قضایی کارآمد و عادلانه که با مشارکت بالای مردم در اداره امور حکومت همراه است (35).

حکمروایی شهری بر خلاف مدیریت شهری، فرآیند مدیریتی است که به اتخاذ و حفظ زیربناها و خدمات شهری می‌پردازد (36). حکمروایی شهری فرآیندی کاملاً سیاسی در نظر گرفته می‌شود (37). بنابراین حکمروایی شهری را می‌توان فرآیندی دانست که بر اساس کنش متقابل میان سازمانها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های جامعه مدنی از طرف دیگر شکل می‌گیرد (38).

حکمروایی خوب شهری همواره بر این موضوع تاکید دارد که تمامی اقشار جامعه فارغ از سن و جنسیت دارای حقوق شهروندی اولیه شامل مسکن، امنیت، آب سالم، سلامتی و بهداشت عمومی، محیط آرام و پاکیزه امنیت غذایی آموزش و... می‌باشند (39). در مرحله پیشرفته تر این موضوع به دنبال شکوفایی استعدادهای فردی و اجتماعی جهت دستیابی به موارد شرح داده شده در بالاترین سطح خود است (40) از این رو جامع ترین تعریف از این اصطلاح را اتحادیه اروپا با توضیح نحوه چگونگی تبدیل شدن حکمروایی به حکمروایی خوب ارائه می‌دهد (9) حکمروایی مربوط است به توانایی دولت در خدمت به شهروندانش یعنی هدایت و مدیریت صحیح و کارآمد جامعه در چارچوب فرمان‌روایی، قانون مدار، تصمیم‌گیری عاقلانه و عادلانه همراه با پاسخگویی و مسئولیت پذیری مشارکت اقشار جامعه و راهبردهایی از این قبیل می‌باشد (35). حکمروایی خوب شهری بر پایه اصل «شهروندمداری» بر این نکته تاکید می‌کند که هیچ زن، مرد یا کودکی نباید از دسترسی به الزامات زندگی شهری از جمله سرپناه مناسب، امنیت شغلی، آب سالم، بهداشت و بهره‌مندی از محیط زیست مناسب، آموزش، تغذیه و امنیت اجتماعی محروم گردد (36).

در مجموع حکمروایی خوب شهری شامل نحوه فرآیند مدیریت شهری است که در برگیرنده تعامل مناسب سه بخش تشکیل دهنده جامعه یعنی بخش‌های دولتی خصوصی و مدنی برای دستیابی به هدف شهر سالم با کیفیت زندگی بالا همراه با توسعه پایدار است (شمس و هاشمی، ۱۳۹۸) اما هدف از حکمرانی خوب شهری تقویت فرآیند توسعه شهری است به گونه‌ای که در جامعه زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم شود (41). اهداف کلان حکمرانی خوب شهری را می‌توان به این صورت بیان کرد (khosravi et al., ۲۰۲۰:۲۵۱ الف) باز ساخت جامعه مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان‌ها نهادها و جوامع محلی. ب) کاهش فقر و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی قومی و فرهنگی در شهرها. ج) افزایش مشارکت و مداخله افراد و صاحبان منافع در فرایندهای سیاسی درون شهرها.

در مورد شاخص‌ها آن چه اکنون عمومیت بیشتری داشته و روی آن اجماع بیشتری وجود دارد، شاخص‌هایی است که برنامه توسعه سازمان ملل آنها را معرفی کرده که عبارتند از: مشارکت پذیری، شفافیت، کارایی و اثر بخشی، مسئولیت پذیری، عدالت و برابری، پاسخ‌گویی، اجماع محوری و قانونمندی با توجه به شاخص‌های گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که حکمروایی خوب ویژگی برجسته حکومت‌های دموکراتیک است و بدون دموکراسی حکمروایی خوب تحقق نمی‌یابد (42) بنابراین باید اذعان داشت که حکمرانی خوب موجب افزایش اعتماد شهروندان به دولت و رضایت عمومی می‌انجامد. برای شایسته شدن حکمروایی، اساساً باید حکمروایی، مشارکت‌پذیر و دربرگیرنده باشد و بین تمامی تشریک‌مسابی کنشگران کاراً و اثر بخش رخ دهد (صرافی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶). به طور کلی از برآیند نظرات مختلفی که در مورد شاخص‌های حکمروایی خوب شهری توسط صاحب‌نظران و سازمانها بیان شد. در جدول (۱) به برنامه توسعه ملل متحد<sup>۱</sup> به صورت خلاصه این شاخص‌ها را بیان کرده است (41).

جدول ۱. اصول و شاخص‌های حکمروایی شایسته از دیدگاه سازمان‌های جهانی و نظریه پردازان

دیدگاه	شاخص	مشارکت	پاسخگویی	اثربخشی و کارایی	شفافیت	مسئولیت‌پذیری	قانون محوری	عدالت و برابری	مشروعیت	اجماع‌گرایی	امنیت
برنامه توسعه سازمان ملل <sup>۷</sup>	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
جان فریدمن	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
بانک جهانی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد <sup>۸</sup>	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
معاون واحد عملیاتی <sup>۹</sup>	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
دنیش ماتا	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
موریتا ساجیکو-زاله داروود	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
سان فنگ کام	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
دیوید.جی.ای. داگلاس	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد <sup>۱۰</sup>	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
دانیل کافمن، آرت کرای، پابلوزوید، لوبتون	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
تیلور، ویس، موبیس، تیسدل	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
شاخص‌های پژوهش	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

در تبیین رابطه‌ی محله پایدار با اصول حکمروایی خوب شهری و بر این اساس حکمروایی خوب یکی از چهار مشخصه «شهر پایدار» عنوان می‌شود. سه ویژگی دیگر شهر پایدار عبارتند از: ۱. قابلیت زیست مطلوب؛ یعنی تضمین کیفیت زندگی شایسته و بهره‌مندی از فرصت‌های برابر برای تمام مردم از جمله فقیرترین افراد جامعه (3). ۲. رقابت‌پذیری؛ که در جستجوی دستیابی به عدالت شهری، ایجاد شبکه‌های امنیت اجتماعی برای تقویت حس رقابت و تولید (43). ۳. قابلیت انباشت؛ که بر نظام اقتصادی سالم در بهره‌گیری صحیح از منابع درآمدی و هزینه‌های آنها (44).

<sup>1</sup> UNDP (United Nation Development Programme).



توسعه پایدار محلی توانایی جوامع کوچک محلی در بهره برداری و استفاده از منابع طبیعی، انسانی و حتی اکولوژیکی است به گونه‌ای که همه اعضا یا اجتماعات محلی در حال حاضر و آینده از سطوح مناسبی در بهداشت و سلامتی زندگی مطلوب امنیت اقتصادی و یکپارچگی بین محیط زیست و فعالیت‌های انسانی برخوردار گردند (45). توسعه پایدار محله‌ای فرایندی است که بر اساس آن سرمایه اجتماعی افزایش یافته و در نتیجه کیفیت زندگی مردم محله بهبود می‌یابد با مطرح شدن محله به عنوان سلول زندگی شهری تحقق توسعه پایدار نیز تنها در قالب توسعه محله‌ای و در مقیاس محلی و در ادامه «تفکر جهانی بیندیش محلی عمل کن» دنبال شد مصرف کنندگان کیفیت بالایی از زندگی را ارائه کرده و فرصت و انتخاب را در اختیار افراد قرار می‌دهد. به طور کلی یک محله پایدار باید با در نظر گرفتن توان زیست محیطی به نیازهای اقتصادی - اجتماعی ساکنانش پاسخ می‌گوید (44).

هدف نهایی توسعه پایدار محله‌ای بهبود ارتباط میان سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی است؛ بدین مفهوم که از فرآیندهای اجتماعی به منظور بهبود ساختار کالبدی فضایی و تقویت هویت مکانی همچنین ایجاد ظرفیت برای توسعه‌های آتی استفاده می‌گردد. همچنین اهداف خرد توسعه پایدار محله‌ای شامل افزایش سرمایه‌های اجتماعی ارتقاء سطح عدالت اجتماعی افزایش خودکفایی تأمین امنیت و ایمنی ساکنین حفظ منابع و میراث طبیعی و فرهنگی ایجاد حس مکان و ارتقاء کیفیت زندگی می‌باشد (46).

در قالب نظریه‌های موجود اصول و شاخص‌های زیادی برای پایداری محلی معرفی و بررسی شده اند. بیشتر پژوهشگران پایداری محلی را ناظر بر سرزندگی تداوم و سازگاری دسترسی تنوع ظرفیت و مشارکت می‌دانند. به اعتقاد لینچ خوانایی محله از جمله معیارهای هویت و پایداری محله‌ها به شمار می‌رود و معنی در محله با کیفیت آن در ارتباط مستقیم است. چپمن محله خوب و پایدار را محله‌ای می‌داند که سلامت ساکنان در آن تأمین باشد. از عوامل مؤثر در ایجاد سرزندگی در محله وجود فضاهای عمومی مناسب است. بارتون معتقد است همان گونه که تغییرات فوق‌گانه می‌توانند به عنوان یک تهدید باشند تکامل محله نیز در قالب آنها ادامه دارد (46) به اعتقاد ویلر با رعایت این اصل شرایط کالبدی محله به گونه‌ای خواهد بود که نیازهای متنوع را پاسخگو باشد.

در زمینه تبیین پایداری محلات شهری ذیل چارچوب حکمروایی خوب شهری مطالعاتی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله یافته‌های نظری و همکاران (۱۴۰۴) در مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی سیستم مدیریت شهری با رویکرد حکمروایی خوب شهری نشان داد که از میان شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در شهر سمنان، شاخص مشارکت، شاخص پاسخدهی و شاخص عدالت نیازمند بازآفرینی و توجه بیشتری هستند؛ اما با اقدامات اخیر پیشرفت‌های نسبی در راستای تحقق شاخص‌های شفافیت، اثربخشی و کارایی دیده می‌شود (16). همچنین قاسم پور و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل فضایی زیست پذیری منطقه ۲۲ کلان شهر تهران که با توجه به نتایج به دست آمده، وضعیت بعد زیست محیطی زیست پذیری در منطقه ۲۲ کلان شهر تهران در حد متوسط و پراکندگی یکنواختی در سطح منطقه در شرایط و وضعیت متوسط قرار دارد.

خسروی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی کارآمدی شورایی‌ها در نهاد مدیریت محله‌ای تهران از منظر حکمروایی شایسته شهری» نشان داد میان وضع موجود و آرمان‌های حکمروایی خوب شهری در شهر تهران فاصله‌ی زیادی وجود دارد و تبدیل ساختار مدیریت محله به مدیریت مشارکتی به تمهیدات عمیق تر و گسترده تری نیازمند است (47). همچنین مولایی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ی خود با عنوان «تبیین حقوق شهروندی در برنامه ریزی پایدار محله‌ای (مطالعه موردی: محله‌های مقصودیه و منظریه شهر تبریز» یافته‌ها حاکی از توجه بر نقش مهم حقوق شهروندی در برنامه ریزی محله‌های پایدار و تأکید برنامه ریزی پایدار در محله با محوریت حقوق شهروندی با حمایت و تأمین نیازهای شهروندان، رضایت مندی آنان و شهر پایدار است.

توکلی نیا و همکاران (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی با عنوان تحلیل جایگاه حکمروایی خوب در عملکرد مدیریت شهری شهر بابل به این نتایج رسیدند که شاخص‌های حکمروایی در عملکرد مدیریت شهری بابل در سطح نامطلوبی قرار دارد و الگوی حکمروایی خوب در عملکرد مدیریت شهری شکل نگرفته است (21). همچنین حسینی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی شهری منطقه ۵ شهرداری تهران به این نتیجه رسید که بین مشارکت شهروندان و الگوی حکمرانی شهری رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که اگر مسئولان شهری بر اساس الگوی حکمرانی رفتار نمایند زمینه‌های لازم را برای مشارکت شهروندان فراهم کرده و به تبع آن رفاه عمومی افزایش خواهد یافت (6). صرافی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش نهادهای مردم نهاد در تحقق پذیری حکروایی خوب شهری (نمونه موردی: کلانشهر تهران به این یافته دست پیدا کردند که سازمان‌ها با وجود آن که بر تحقق پذیری مولفه‌های مشارکت و پاسخگویی کلان شهر تهران متمرکز می‌باشند، در برآورده ساختن مولفه‌های قابلیت اطمینان و شفافیت و همچنین کارایی نقش قابل قبولی ندارند.

در زمینه مطالعات خارجی نیز مارسل سلز و همکاران (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت جامعه در شناسایی شاخص‌های پایداری محله در برزیل» به چالش‌های ذاتی شهرنشینی پرداخته است. مجموعه داده‌های پردازش شده در مقاله حاکی از توجه بیشتر مردم و تاکیدشان بر زیرساخت‌های شهری، رفاه اجتماعی، آموزش، امنیت و فضای شهری است. الستوتی و همکاران (۲۰۲۳) معتقدند که حکمروایی خوب شهری با رویکردی چندبعدی به توسعه پایدار، بهبود رفاه، یادگیری مستمر، مشارکت محلی، شفافیت و پاسخگویی منجر می‌شود. همچنین، کای و همکاران (۲۰۲۳) با بررسی ۱۲۸۰ مقاله در زمینه حکمروایی شهری نشان دادند که تحقیقات این حوزه بیشتر به سوی بررسی واقعیت‌ها و تغییر از مدیریت متمرکز به مدیریت یکپارچه دولت و جامعه مدنی حرکت کرده اند و این رویکرد به عنوان ابزاری برای حل مسائل شهری و بهبود زندگی شهروندان استفاده می‌شود. کارکابا و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیق خود به بررسی تأثیر حکمرانی در سطح شهرداری‌های کشور اسپانیا پرداخته اند. شاخص‌های تعریف شده در این پژوهش پاسخگویی کارایی دولت و کنترل فساد است و نتایج تاثیر مثبت و سریع کارایی دولت در حکمرانی خوب و ایجاد حس رضایت مندی شهروندان را بیان می‌دارد در مقابل رابطه معناداری بین پاسخگویی که به عنوان شاخصی از شفافیت درک می‌شود در ایجاد حس رضایت شهروندان به دست نیامد. قوس فرهان (۲۰۲۰) در مقاله خود تحت عنوان ارزیابی عملکرد شهرداریها در چارچوب معیارهای حکومت داری خوب مطالعه موردی شهرداری هرات افغانستان از هشت معیار حکمرانی خوب استفاده کرده بود که شاخص کارایی و اثر بخشی بالاترین میانگین با امتیاز ۷۰/۲ و شاخص شفافیت کمترین میانگین با امتیاز ۹۸/۱ را به خود اختصاص داده است. نتایج تحقیق نشان داد که عملکرد شهرداری شهر هرات در چارچوب معیارهای حکومت داری خوب از دیدگاه شهروندان شهر هرات رضایت بخش نیست. حسن هامدن (۲۰۲۲) در مقاله‌ی «استراتژی ترویج نوآوری در پروژه‌های محله پایدار»<sup>۱</sup> که در سال ۲۰۲۲ به چاپ رسیده است روی فوریت تلاش بابت ترویج محله‌ها و جوامع شهری پایدار با محیط زیست تاکید می‌کند زیرا الزام وجود محله‌های پایدار به طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شوند زیرا فرصت‌هایی را ارائه می‌دهند که می‌توانند در تغییر به سمت جامعه کم کربن مورد استفاده قرار گیرند.

<sup>1</sup> SN.

با بررسی ادبیات نظری و مطالعات تجربی انجام شده در حوزه رضایت مندی از عملکرد مدیریت شهری در می‌پاییم که بیشتر این تحقیقات و مطالعات گویای این واقعیت است که شهروندان نسبت به عملکرد مدیریت شهری رضایت چندانی ندارند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نظام اداره شهرها به خصوص در ایران مبتنی بر الگوی حکومت شهری است نه حکمروایی شهری. همچنین بیشتر مطالعات انجام شده در این حوزه در کلان شهرها به صورت کلی صورت گرفته به همین منظور یک خلاء مطالعاتی در محلات مناطق با رویکرد محله‌ای احساس می‌شد که پژوهش حاضر به همین منظور به تبیین رابطه‌ی محله پایدار با اصول حکمروایی خوب شهری در منطقه ۱۲ تهران به عنوان یک منطقه تاریخی پرداخته است.

همچنین در اکثر پژوهش‌های قبلی صورت گرفته محققین برای تحلیل کار خود از نرم افزار SPSS و تکنیک‌های فریدمن و تی تک نمونه‌ای بهره گرفته اند در حالی که در پژوهش حاضر علاوه بر استفاده از نرم افزار SPSS از مدل معادلات ساختاری در نرم افزار Smart PLS نیز بهره گرفته شده است از این رو می‌توان تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین را در انتخاب محدوده مطالعاتی و روش تحلیل آن بیان کرد به علاوه تبیین رابطه‌ی محله پایدار با اصول حکمروایی خوب شهری در منطقه ۱۲ تهران ضرورت این پژوهش را باعث شده است.

## روش شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و اکتشافی است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی است. بدین طریق که از یک سو مفاهیم اصلی تحقیق نظیر توسعه پایدار محله، مدیریت شهری و حکمروایی خوب شهری از طریق مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی به طور کامل تعریف و تبیین شده است و از سوی دیگر در بخش میدانی ابزار گردآوری داده‌ها با هدف مدل سازی ساختاری مؤلفه‌های مبنایی حکمروایی خوب شهری مؤثر بر توسعه محله‌ای پرسشنامه می‌باشد. در همین راستا پرسشنامه محقق ساخت مناسب با هدف پژوهش در اختیار شهروندان، ساکنین محله‌ها، کارشناسان محلی، و صاحب نظران حوزه شهری منطقه ۱۲ تهران قرار گرفت که به صورت هدفمند به تعداد ۴۰۰ نفر انتخاب شده است. روایی پرسشنامه به شکل محتوایی و صوری و بر اساس نظر متخصصان بررسی شد؛ ضریب پایایی پرسشنامه نیز با تکنیک آلفای کرونباخ محاسبه شد. با توجه به اینکه ضریب پایایی به میزان  $0/732$  به دست آمده و بیشتر از  $0/7$  است بیانگر ارتباط گویه‌ها با یکدیگر است.

در پژوهش حاضر، فرایند تحلیل داده‌ها با دقت و طی مراحل علمی متوالی طراحی شده است تا اعتبار نتایج و قابلیت تعمیم آن‌ها به جامعه آماری مورد مطالعه تقویت شود. در گام نخست، نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (KS)<sup>۱</sup> استفاده شد که یکی از متداول‌ترین ابزارها در تعیین پیروی داده‌های نمونه از توزیع نرمال است. در مرحله دوم، به منظور سنجش روایی سازه و ارزیابی دقت شاخص‌های اندازه‌گیری، از تحلیل عاملی تأییدی (CFA)<sup>۲</sup> بهره گرفته شد. این تکنیک آماری قدرتمند، میزان همبستگی میان گویه‌ها و سازه‌های مفهومی تحقیق را بررسی کرده و اعتبار مدل نظری پژوهش را مورد سنجش قرار می‌دهد. تحلیل عاملی تأییدی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا روابط پنهان میان متغیرها را آشکار کرده و مشخص کند که هر شاخص تا چه میزان در تبیین متغیر نهفته نقش دارد. این تحلیل همچنین پایایی و انسجام ساختاری پرسشنامه را مورد تأیید یا رد قرار می‌دهد.

<sup>1</sup> Kolmogorov-Smirnov Test.

<sup>2</sup> Confirmatory Factor Analysis.

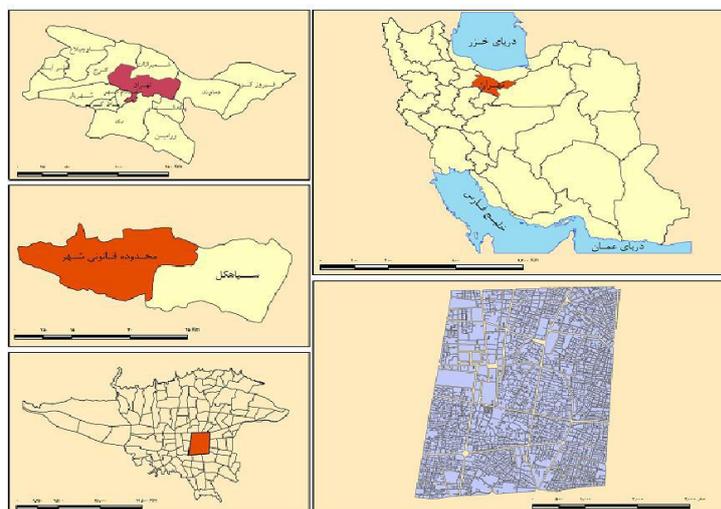
در نهایت، برای بررسی روابط ساختاری میان متغیرها و آزمون فرضیات اصلی پژوهش، از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS)<sup>۱</sup> استفاده شده است. برای اجرای این مرحله، از نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است که قابلیت‌های گسترده‌ای برای مدل‌سازی و تحلیل ساختارهای چندمتغیره دارد. داده‌های حاصل از ۴۰۰ پرسشنامه گردآوری شده، در محیط این نرم‌افزار وارد شده و تحلیل‌ها بر پایه مدل مفهومی طراحی شده انجام گرفته است. خروجی‌های نرم‌افزار شامل ضرایب مسیر، شاخص‌های برازش، آماره‌های t و ارزیابی پایایی سازه‌ها بوده که مبنای آزمون فرضیات و نتیجه‌گیری نهایی قرار گرفته‌اند. این فرآیند تحلیلی، زیرساختی معتبر برای استخراج یافته‌های پژوهش و ارائه راهکارهای مبتنی بر داده فراهم آورده است.



شکل ۱. مراحل اساسی اجرای تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری

### معرفی محدوده مورد مطالعه

منطقه ۱۲، از مناطق قدیمی شهر تهران محسوب می‌شود که در مرکز این شهر واقع شده است و با مساحت ۱۶/۹۱ کیلومتر مربع شامل ۶ ناحیه و ۱۳ محله می‌باشد. این منطقه از شمال با مناطق ۶ و ۷، از غرب با منطقه ۱۱، از شرق با مناطق ۱۳، ۱۴ و ۱۵ و از جنوب با مناطق ۱۵ و ۱۶ همجوار است. منطقه ۱۲ شهر تهران از شمال به خیابان انقلاب، از غرب به خیابان حافظ و خیابان وحدت اسلامی، از جنوب به خیابان شوش و از شرق به خیابان ۱۷ شهریور (شهباز سابق) محدود می‌شود (امیدیان و همکاران، ۱۴۰۲).



شکل ۲. نقشه موقعیت منطقه ۱۲ شهر تهران

### یافته‌ها و بحث

<sup>1</sup> Partial Least Squares.

برای درک جامع‌تر از وضعیت توسعه پایدار محلی در منطقه ۱۲ شهر تهران و بررسی تأثیر مؤلفه‌های حکمروایی شهری بر آن، توصیف دقیق داده‌های جمع‌آوری شده انجام گرفته شد. تحلیل توصیف‌های آماری نه تنها امکان شناسایی الگوهای موجود در میان متغیرهای پنهان و آشکار را فراهم می‌کند، بلکه چارچوبی منطقی برای تحلیل روابط علی بین ابعاد مختلف حکمروایی و مؤلفه‌های پایداری شهری ایجاد می‌نماید. این شاخص‌ها اطلاعات ارزشمندی درباره توزیع و پراکندگی متغیرهایی چون شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، تمرکز زدایی، و همچنین کیفیت زیرساخت‌ها، امنیت، پایداری اقتصادی، وضعیت محیط زیست و سطح تعاملات فرهنگی و اجتماعی ارائه داد. همچنین در این بخش، تحلیل شاخص‌های آماری توصیفی و جداول توزیع فراوانی مرتبط با متغیرهای پژوهش و سؤالات پرسشنامه انجام گرفته شد. برای گویه‌های زیرمؤلفه‌های حکمروایی شهری مانند، اطاعت از قانون، شفافیت، اجتماع‌گرایی، اهداف و شمول، اثر بخشی و کارایی، پذیرش و پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری مشروعیت، عدالت، تمرکززدایی و زیرمؤلفه‌های پایداری شهر مانند زیرساخت‌های عمومی، امنیت و آسایش، مشارکت اجتماعی، پایداری اقتصادی، محیط زیست و بهداشت و فرهنگ و آموزش میزان فراوانی پاسخ‌ها، درصد توزیع انتخاب گزینه‌ها، و در ادامه شاخص‌های آماری مرکزی و پراکندگی محاسبه گردید.

این تحلیل‌ها به منظور ترسیم تصویری جامع و دقیق از نحوه توزیع داده‌ها و الگوهای پاسخ‌دهی انجام شده‌اند. استفاده از این شاخص‌ها امکان تحلیل دقیق‌تری از وضعیت متغیرهای مورد بررسی را فراهم می‌سازد و زمینه‌ساز انجام تحلیل‌های استنباطی و مدل‌سازی‌های آماری در مراحل بعدی پژوهش گردید. در مرحله بعد آزمون نرمال بودن داده‌ها و تأثیر آن بر انتخاب روش تحلیل توسط آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (KS Test) به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها برای تمامی متغیرهای اصلی به کار گرفته شد. بر اساس نتایج به دست آمده، مقدار  $p$ -value برای تمامی گویه‌ها (کمتر از ۰۰۵/۰) بوده است. این امر نشان می‌دهد که فرض صفر مبنی بر پیروی داده‌ها از توزیع نرمال در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. این نتیجه حاکی از آن است که متغیرهای مرتبط با ابعاد مختلف حکمروایی و شاخص‌های پایداری محله، دارای توزیع نرمال نیستند و در نتیجه، استفاده از روش‌های آماری ناپارامتریک برای تحلیل این داده‌ها ضروری است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها در این پژوهش نرمال نبوده و در نتیجه، استفاده از روش‌های ناپارامتریک و مدل‌سازی‌های انعطاف‌پذیر مانند رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) در ادامه تحلیل‌ها کاملاً موجه و منطبق با ماهیت داده‌ها خواهد بود.

### مدل تأثیر مؤلفه حکمروایی بر پایداری محله در نرم‌افزار Smart PLS

به منظور بررسی روابط بین مؤلفه‌های حکمروایی شهری (نظیر مشارکت، شفافیت، عدالت، تمرکززدایی و ...) و ابعاد مختلف پایداری محله‌ای (از جمله زیرساخت، امنیت، مشارکت اجتماعی، محیط زیست و فرهنگ)، از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)<sup>۱</sup> بهره گرفته شده است. براساس چارچوب پیشنهادی هنسler و همکاران (۲۰۰۹)، تحلیل معادلات ساختاری در بخش مدل بیرونی<sup>۲</sup>، میزان پایایی و روایی گویه‌ها برای هر متغیر پنهان (سازه) بررسی گردید. به بیان دیگر، روابط بین سؤالات پرسشنامه و سازه‌های مفهومی حکمروایی و پایداری مورد آزمون قرار گرفت تا اطمینان حاصل شود که شاخص‌ها به درستی مفاهیم موردنظر را بازتاب می‌دهند.

<sup>1</sup> Structural Equation Modelling

<sup>2</sup> Measurement Model

در ارزیابی مدل بیرونی (مدل اندازه‌گیری)، معیارهای اساسی زیر برای سنجش کیفیت و اعتبار سازه‌ها در نظر گرفته شده است. بارهای عاملی<sup>۱</sup> معیاری برای بررسی میزان تأثیرگذاری شاخص‌ها بر متغیرهای پنهان است. اگر مقدار بار عاملی کمتر از ۰.۳ باشد، رابطه ضعیف تلقی شده و حذف می‌شود. مقادیر بین ۰.۳ تا ۰.۶ در حد قابل قبول بوده و مقادیر بالاتر از ۰.۶ نشان‌دهنده روابط مطلوب هستند. در این پژوهش، برای اطمینان از کیفیت مدل، حداقل مقدار ۰.۴ برای بارهای عاملی در نظر گرفته شده است. آلفای کرونباخ<sup>۲</sup> آلفای کرونباخ یکی از شناخته‌شده‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی همسانی درونی گویه‌ها و میزان پایایی سازه‌هاست. طبق مبانی نظری کمتر از ۰/۴۵ پایایی ضعیف و غیرقابل قبول، حدود ۰/۷۵ پایایی متوسط و قابل اعتماد، نزدیک به ۰/۹۵ نشانگر پایایی بسیار بالا و مطلوب.

در این تحقیق، مقدار ۰/۷ به‌عنوان حد استاندارد برای پذیرش پایایی در نظر گرفته شده است. این مقدار تضمین می‌کند که سؤالات مرتبط با هر متغیر پنهان، سازگاری لازم را برای ارزیابی مفهوم نظری موردنظر دارا هستند. و پایایی ترکیبی (CR)<sup>۳</sup> پایایی ترکیبی یک شاخص دقیق‌تر نسبت به آلفای کرونباخ است که میزان سازگاری درونی شاخص‌ها را در اندازه‌گیری سازه‌ها می‌سنجد. مقدار قابل قبول برای CR معمولاً بیش از ۰/۷ تعیین می‌شود. در این پژوهش نیز، تمامی متغیرها از منظر CR مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و مقادیر به‌دست‌آمده تأییدکننده انسجام و هماهنگی درونی مطلوب میان شاخص‌ها بوده‌اند. روایی همگرا (AVE)<sup>۴</sup> شاخص AVE میزان تبیین واریانس سازه پنهان توسط شاخص‌های آن را بیان می‌کند. مقدار بیش از ۰/۵ برای AVE نشان می‌دهد که حداقل ۵۰ درصد واریانس شاخص‌ها توسط متغیر پنهان توضیح داده شده و روایی همگرای آن قابل قبول است. در این پژوهش، تمامی متغیرهای اصلی در مدل حکمروایی شهری و پایداری محله از نظر AVE بررسی شده‌اند و نتایج حاصل، حاکی از تأیید کفایت همگرایی سازه‌ها با شاخص‌های مربوطه است.

در مرحله بعدی مدل درونی یا ساختاری<sup>۵</sup>، ساختار کلی مدل پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت. این مدل بررسی می‌کند که چگونه متغیرهای پنهان مربوط به حکمروایی، بر سازه‌های پایداری و تاب‌آوری در سطح محله‌ای اثر می‌گذارند. در این چارچوب، مسیرهای علی-ساختاری بین متغیرها مشخص شده و فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون آماری قرار گرفته‌اند. در این راستا، از سه شاخص کلیدی برای سنجش کیفیت و صحت مدل استفاده شده است. ضریب تعیین ( $R^2$ )<sup>۶</sup> که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی قدرت پیش‌بینی مدل است که میزان واریانس تبیین‌شده در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. این ضریب در محدوده صفر تا یک قرار دارد؛ مقادیر بالاتر آن نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی بیشتر مدل است. مقدار  $R^2 \approx 0.19 \rightarrow$  قدرت تبیین ضعیف، مقدار  $R^2 \approx 0.33 \rightarrow$  قدرت تبیین متوسط و مقدار  $R^2 \approx 0.67$  یا بیشتر  $\rightarrow$  قدرت تبیین قوی است.

ضرایب مسیر<sup>۷</sup> شدت و جهت روابط میان متغیرهای پنهان را در مدل ساختاری مشخص می‌سازند. برای بررسی معناداری این ضرایب، از روش بوت‌استرپینگ<sup>۸</sup> استفاده شده است که از طریق تکرار نمونه‌گیری تصادفی، مقدار آماره  $t$  را برای هر مسیر محاسبه می‌کند. اگر  $|t| > 1.96$  باشد  $\rightarrow$  رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. این ضرایب به پژوهشگر اجازه می‌دهند تا مشخص کند کدام یک از مؤلفه‌های حکمروایی بیشترین تأثیر را بر شاخص‌های پایداری و

<sup>1</sup> Factor Loadings

<sup>2</sup> Cronbach's Alpha

<sup>3</sup> Composite Reliability

<sup>4</sup> Average Variance Extracted

<sup>5</sup> Structural Model

<sup>6</sup> R Squar

<sup>7</sup> Deviation Standard

<sup>8</sup> Bootstrapping

تاب‌آوری در منطقه ۱۲ شهر تهران دارند. و معیار برازش مدل (GoF)<sup>۱</sup> معیار ترکیبی از برازش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری است و انطباق کلی مدل با داده‌های تجربی را نشان می‌دهد. این شاخص به صورت عددی بین صفر و یک بیان می‌شود و مقادیر بالاتر بیانگر برازش بهتر مدل هستند  $\rightarrow 0.36 \geq \text{GoF}$ : نشان‌دهنده برازش قوی و قابل قبول مدل که در پژوهش حاضر، این شاخص برای مدل نهایی محاسبه شده تا تأیید شود که مدل مفهومی طراحی شده به خوبی با داده‌های واقعی منطبق است.

نتایج حاصل از این تحلیل، نه تنها به درک بهتری از کیفیت حکمروایی شهری در منطقه ۱۲ شهر تهران می‌انجامد، بلکه مسیرهایی روشن برای سیاست‌گذاران، مدیران شهری و برنامه‌ریزان محلی جهت ارتقاء تاب‌آوری و پایداری محلات شهری فراهم می‌آورد. به ویژه در مناطقی مانند منطقه ۱۲ شهر تهران که با چالش‌هایی چون فرسودگی کالبدی، نابرابری اجتماعی و فشارهای مدیریتی روبه‌رو هستند، شناسایی پیوندهای معنادار میان حکمروایی مؤثر و توسعه پایدار محله، گامی اساسی در جهت توانمندسازی شهری و بهبود کیفیت زندگی ساکنان محسوب می‌شود.

در تبیین چارچوب مدل مفهومی تأثیر حکمروایی بر پایداری محله در منطقه ۱۲ شهر تهران تأثیر مؤلفه‌های حکمروایی شهری بر پایداری محله در منطقه ۱۲ شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است. به طور مشخص، مدل به ارزیابی این موضوع می‌پردازد که چگونه ابعاد مختلف حکمروایی همچون شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشروعیت، تمرکززدایی و مشارکت می‌توانند بر وضعیت پایداری اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و زیرساختی محله اثرگذار باشند. پس از تعریف مدل مفهومی، گام بعدی شامل تخمین پارامترهای آزاد بر اساس داده‌های مشاهده شده است. برای این منظور، از رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) به عنوان یکی از روش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. این روش امکان تحلیل مدلهایی با داده‌های غیرنرمال و نمونه‌های نسبتاً کوچک را فراهم می‌آورد و از این نظر برای پژوهش حاضر که داده‌های آن از طریق پیمایش میدانی گردآوری شده‌اند، بسیار مناسب است.

متغیرهای به‌کاررفته در مدل تحقیق به دو دسته کلی متغیرهای آشکار<sup>۲</sup> و متغیرهای پنهان<sup>۳</sup> تقسیم می‌شوند. در مدل ساختاری تحقیق، متغیرهای پنهان بر اساس نقش‌شان در جریان علی به دو گروه متغیرهای برون‌زا<sup>۴</sup> منشأ اثرگذاری بر سایر متغیرها در مدل هستند، اما خود از سایر سازه‌ها تأثیر نمی‌پذیرند. در پژوهش حاضر، حکمروایی شهری به عنوان متغیر برون‌زا تعریف شده است. متغیرهای درون‌زا<sup>۵</sup> که این متغیرها تحت تأثیر سایر متغیرهای مدل قرار دارند. در این مطالعه، پایداری محله (در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، محیطی و فرهنگی) به عنوان متغیر درون‌زا محسوب می‌شود، طبقه‌بندی می‌شوند.

در مجموع، مدل مفهومی این پژوهش بر آن است تا با بهره‌گیری از تکنیک‌های تحلیلی پیشرفته، چگونگی تأثیرگذاری ابعاد حکمروایی شهری بر ابعاد مختلف پایداری محله‌ای در منطقه ۱۲ تهران را به صورت دقیق و تجربی مورد بررسی قرار دهد. این مدل، ابزاری تحلیلی برای درک بهتر از چالش‌ها و فرصت‌های ارتقاء کیفیت حکمرانی محلی و پیامدهای آن در بستر اجتماعی-شهری پایتخت فراهم می‌آورد.

یکی از مراحل بنیادین در مدل‌سازی معادلات ساختاری، ارزیابی مدل اندازه‌گیری یا سنجشی در منطقه ۱۲ شهر تهران است که به بررسی روابط میان متغیرهای پنهان (نظیر ابعاد مختلف حکمروایی شهری و پایداری محله) با شاخص‌های آشکار آن‌ها می‌پردازد. هدف اصلی این مرحله، سنجش اعتبار (روایی) و قابلیت

<sup>1</sup> Goodness of Fit

<sup>2</sup> Observed Variables

<sup>3</sup> Latent Variables

<sup>4</sup> Exogenous Variables

<sup>5</sup> Endogenous Variable

اعتماد (پایایی) ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در تحقیق است. روایی نشان می‌دهد که آیا ابزار سنجش واقعاً مفهومی را که قرار است اندازه‌گیری کند، به درستی پوشش داده است یا خیر. از سوی دیگر، پایایی به میزان ثبات، انسجام و قابلیت اعتماد پرسشنامه در اندازه‌گیری مفاهیم نظری اشاره دارد. برای ارزیابی ساختار درونی ابزار پژوهش، از تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی ساختار پرسشنامه استفاده شده است. این تحلیل به پژوهشگر کمک می‌کند تا بررسی کند شاخص‌های مربوط به هر سازه تا چه حد با متغیر پنهان خود همبستگی دارند. در این پژوهش، شاخص‌هایی که واجد این شرایط نبودند، حذف شده و مدل اصلاح شده مجدداً اجرا گردید تا ساختار نهایی تأیید شود.

در این پژوهش، از نوع انعکاسی برای مدل سنجشی استفاده شده است. به این معنا که شاخص‌ها تجلی و بازتابی از متغیر پنهان اصلی هستند. برای ارزیابی مدل انعکاسی، مراحل پایایی مدل شامل پایایی شاخص‌ها: زمانی تأیید می‌شود که مقدار بار عاملی بیشتر از ۰.۵ باشد. در این تحقیق، بیشتر شاخص‌ها این شرط را برآورده کرده‌اند. پایایی ترکیبی (CR) این شاخص باید بیش از ۰.۷ باشد تا از انسجام درونی سؤالات اطمینان حاصل شود. آلفای کرونباخ: به منظور بررسی پایایی مقیاس، مقدار آلفا برای هر سازه باید بیش از ۰.۷ باشد. شامل روایی مدل روایی همگرا (AVE) مقدار میانگین واریانس استخراج شده برای هر سازه باید از ۰.۵ بیشتر باشد تا نشان دهد بیش از نیمی از واریانس شاخص‌ها توسط متغیر پنهان توضیح داده می‌شود. و روایی واگرا<sup>۱</sup> از دو آزمون بار عرضی و معیار فورنل-لارکر برای سنجش روایی واگرا استفاده شده است. طبق این معیار، مقدار ریشه دوم AVE هر سازه باید از همبستگی آن با سایر سازه‌ها بیشتر باشد، طی شده است.

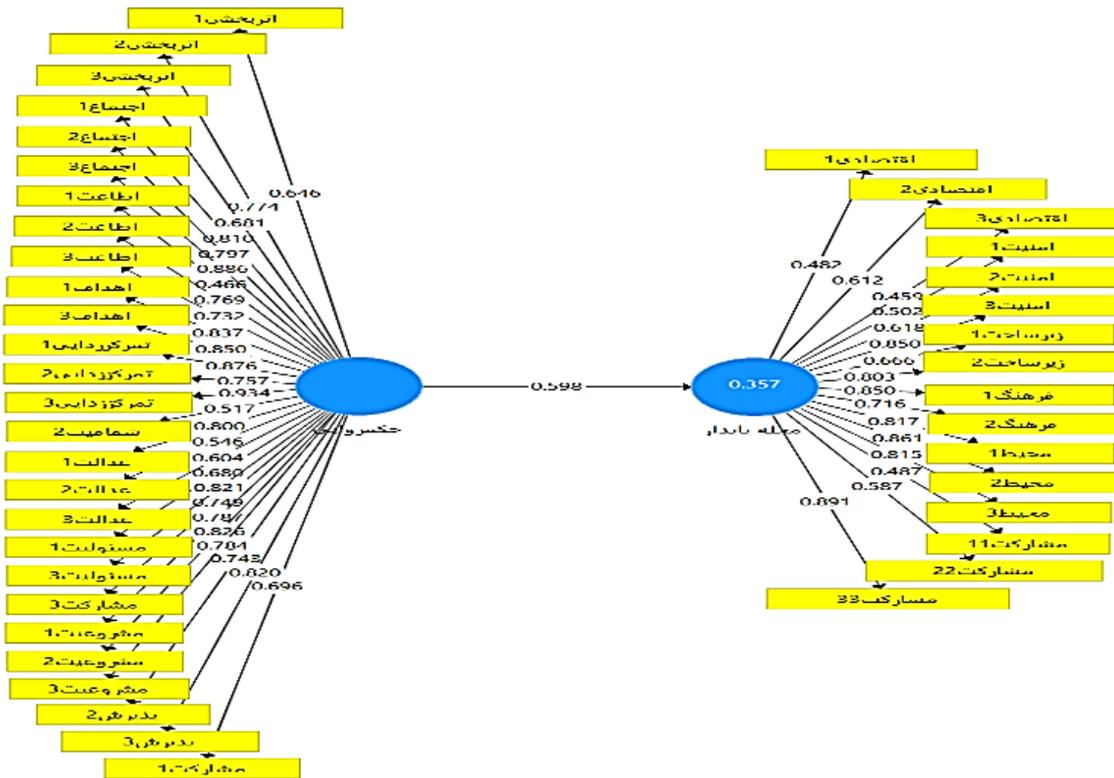
پس از انجام آزمون‌های پایایی و روایی، شاخص‌هایی که دارای بار عاملی کمتر از ۰.۴ بودند، حذف شدند و مدل اصلاح شده براساس نتایج تحلیل عاملی مجدداً اجرا شد. این اقدام سبب بهبود برازش مدل و افزایش دقت در تحلیل سازه‌های مفهومی تحقیق گردید. در نهایت، تمامی شاخص‌های باقی مانده در مدل نهایی از ویژگی‌های آماری قابل قبول برخوردار بوده و مدل نهایی از اعتبار مناسب برای تبیین روابط بین حکمروایی شهری و پایداری محله در منطقه ۱۲ شهر تهران برخوردار است.

در تخمین ضرایب مسیر و بارهای عاملی حکمروایی و پایداری محله در منطقه ۱۲ شهر تهران، همانطور که شکل (۳) قابل مشاهده است، مدل تحلیل عاملی تأییدی (CFA) ساختار مفهومی روابط میان دو متغیر اصلی پژوهش، یعنی حکمروایی شهری و پایداری محله‌ای در منطقه ۱۲ شهر تهران را مورد بررسی قرار داده است. در این مدل، متغیر پنهان حکمروایی شهری به عنوان متغیر مستقل (برونزا) در سمت چپ و متغیر پنهان پایداری محله‌ای به عنوان متغیر وابسته (درونزا) در سمت راست قرار دارد. ارتباط میان این دو سازه نظری از طریق ضریب مسیر به میزان ۰.۶۷۰ نشان داده شده که قدرت و جهت این رابطه را بیان می‌کند.

**بررسی ارتباط میان حکمروایی شهری و پایداری محله‌ای:** ضریب مسیر به دست آمده (۰/۵۹۸) بیانگر وجود یک رابطه مثبت و نسبتاً قوی میان سطح حکمروایی شهری و میزان پایداری در محله‌های منطقه ۱۲ شهر تهران است. به عبارتی دیگر، ارتقاء شاخص‌های حکمروایی شهری، همچون شفافیت، مشارکت، پاسخگویی، عدالت، تمرکززدایی و غیره، می‌تواند نقش بسزایی در تقویت پایداری محلی ایفا کند.

<sup>۱</sup> Discriminant Validity

بررسی شاخص‌های اندازه‌گیری متغیر حکمروایی شهری: متغیر حکمروایی شهری از طریق مجموعه‌ای از شاخص‌های مشاهده پذیر مانند مشارکت مردمی، شفافیت، رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری و مشروعیت سنجیده شده است. برای هر یک از این شاخص‌ها، بار عاملی در مدل گزارش شده که نشان می‌دهد هر شاخص تا چه میزان در تبیین سازه اصلی حکمروایی شهری نقش دارد. بارهای عاملی بالاتر از ۰/۶ تأیید می‌کنند که شاخص‌ها از کفایت مفهومی و همبستگی مناسبی با متغیر نهفته برخوردار هستند. یافته‌ها بیانگر آن است که اغلب شاخص‌ها از اعتبار کافی برای اندازه‌گیری متغیر حکمروایی برخوردار بوده‌اند، که این امر بر روی مدل اندازه‌گیری پژوهش دلالت دارد.



شکل ۳. متغیرهای پژوهش در حالت تخمین ضرایب استاندارد و بارهای عاملی

در تحلیل بارهای عاملی متغیر حکمروایی شهری در این پژوهش از طریق ۲۷ شاخص اندازه‌گیری شده است. جدول (۲) که در قالب مؤلفه‌هایی مانند مشارکت، شفافیت، مشروعیت، مسئولیت‌پذیری، تمرکززدایی، اثربخشی، عدالت و غیره دسته‌بندی شده‌اند. بارهای عاملی نشان می‌دهند که هر یک از این شاخص‌ها تا چه میزان در تبیین متغیر پنهان نقش دارند.

جدول ۲. نتایج بارهای عاملی برای متغیر حکمروایی منطقه ۱۲ شهر تهران

اثربخشی ۱	اثربخشی ۲	اثربخشی ۳	اجتماع ۱	اجتماع ۲	اجتماع ۳	اطاعت ۱
۰/۶۴۶	۰/۷۷۴	۰/۶۸۱	۰/۸۱۰	۰/۷۹۷	۰/۸۸۶	۰/۴۶۶
اطاعت ۲	اطاعت ۳	اهداف ۱	اهداف ۳	تمرکز زدایی ۱	تمرکز زدایی ۲	تمرکز زدایی ۳
۰/۷۶۹	۰/۷۳۲	۰/۸۳۷	۰/۸۵۰	۰/۸۷۶	۰/۷۵۷	۰/۹۳۴
شفافیت ۲	عدالت ۱	عدالت ۲	عدالت ۳	مسئولیت ۱	مسئولیت ۳	مشارکت ۱
۰/۵۱۷	۰/۸۰۰	۰/۵۴۶	۰/۶۰۴	۰/۶۸۰	۰/۸۲۱	۰/۶۹۶

مشارکت ۳	مشروعیت ۱	مشروعیت ۲	مشروعیت ۳	پذیرش ۲	پذیرش ۳
۰/۷۸۷	۰/۸۲۶	۰/۷۸۴	۰/۷۴۳	۰/۸۲۰	۰/۶۹۶

در مجموع، تحلیل شاخص‌های بار عاملی قوی (بالتر از ۰/۷۵) و شاخص‌های با تأثیر متوسط (بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۵) و شاخص‌های با تأثیر ضعیف (کمتر از ۰/۶۰) متغیر حکمروایی شهری نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مرتبط با تمرکززدایی، انسجام اجتماعی، مشروعیت نهادی و عدالت فضایی از منظر پاسخ‌دهندگان ساکن منطقه ۱۲ شهر تهران نقش مهم‌تری در تقویت حکمروایی شهری ایفا می‌کنند. این یافته می‌تواند به برنامه‌ریزان و مدیران شهری برای تقویت مسیرهای تعامل، تفویض اختیار و ایجاد همبستگی اجتماعی راهکارهای اثربخشی ارائه دهد.

در تحلیل بارهای عاملی متغیر پایداری محله در این پژوهش، از طریق ۱۶ شاخص اندازه‌گیری شده است. جدول (۳) که در قالب مؤلفه‌هایی چون زیرساخت‌های عمومی، امنیت و آسایش، مشارکت اجتماعی، پایداری اقتصادی، محیط زیست و بهداشت، و فرهنگ و آموزش دسته‌بندی شده‌اند. بارهای عاملی این شاخص‌ها نمایانگر میزان ارتباط آن‌ها با متغیر پنهان «پایداری محله» است؛ هر چه مقدار بار عاملی بالاتر باشد، نقش آن شاخص در تبیین مفهوم پایداری محله پررنگ‌تر است.

جدول ۳. نتایج بارهای عاملی برای متغیر پایداری محله در منطقه ۱۲ شهر تهران

اقتصادی ۱	اقتصادی ۲	اقتصادی ۳	امنیت ۱	امنیت ۲	امنیت ۳	زیرساخت ۱	زیرساخت ۲
۰/۴۸۲	۰/۶۱۲	۰/۴۵۹	۰/۵۰۲	۰/۶۱۸	۰/۸۵۰	۰/۶۶۶	۰/۸۰۳
فرهنگ ۱	فرهنگ ۲	محیط ۱	محیط ۲	محیط ۳	مشارکت ۱	مشارکت ۲	مشارکت ۳
۰/۸۵۰	۰/۷۱۶	۰/۸۱۷	۰/۸۶۱	۰/۸۱۵	۰/۴۸۷	۰/۵۸۷	۰/۸۹۱

در مجموع، تحلیل شاخص‌های بار عاملی قوی (بالتر از ۰/۷۵) و شاخص‌های با تأثیر متوسط (بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۵) و شاخص‌های با تأثیر ضعیف (کمتر از ۰/۶۰) متغیر پایداری محله نشان می‌دهد که متغیر پایداری محله در منطقه ۱۲ شهر تهران عمدتاً تحت تأثیر مؤلفه‌هایی نظیر کیفیت محیط زیست، دسترسی به فضاهای عمومی، زیرساخت‌های شهری و مراکز آموزشی است. در مقابل، متغیرهایی نظیر مشارکت رسمی، وضعیت اشتغال، و حمایت نهادی از مشاغل خرد تأثیر کمتری بر ادراک شهروندان از پایداری دارند. این یافته‌ها می‌تواند جهت‌گیری مناسبی برای سیاست‌گذاران محلی جهت ارتقاء واقعی و ادراکی پایداری محله فراهم کند.

#### تأثیر مؤلفه حکمروایی بر پایداری محله

بر اساس نتایج مدل معادلات ساختاری، تأثیر متغیر حکمروایی شهری بر پایداری محله با ضریب مسیر ۰/۵۹۸ به دست آمده است. این ضریب نشان‌دهنده تأثیر مثبت و نسبتاً قوی بین این دو متغیر است و نشان می‌دهد که هر چه کیفیت مؤلفه‌های حکمروایی شهری ارتقا یابد، سطح پایداری محله نیز به شکل معناداری افزایش خواهد یافت.

تمرکززدایی: شاخص «میزان کارایی ابزارهای طراحی شده برای تقویت نقش نهادهای محلی در مدیریت شهری» (با بار عاملی ۰.۹۳۴) قوی‌ترین عامل در تبیین حکمروایی شهری بوده است. در مناطقی مانند منطقه ۱۲ شهر تهران، واگذاری اختیارات و منابع به نهادهای محلی می‌تواند به تصمیم‌گیری مؤثرتر و هماهنگ با نیازهای محله منجر شود، که این خود زیربنای اصلی پایداری اجتماعی و نهادی در سطح محله است.

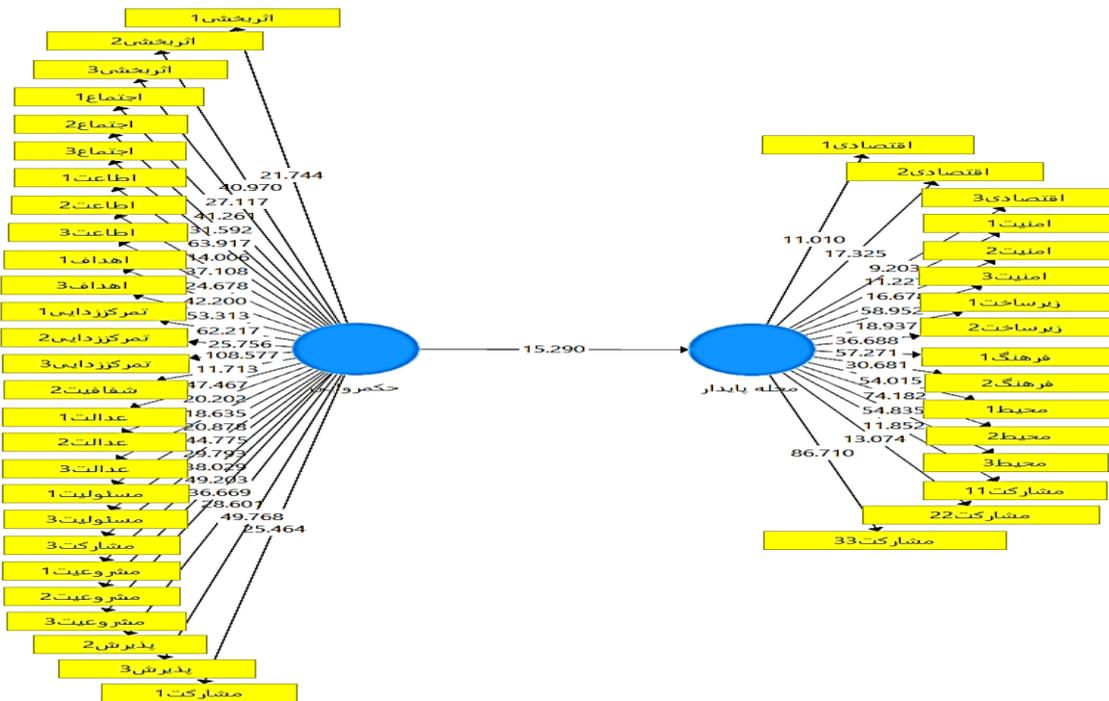
اجتماع‌گرایی و شمول اجتماعی: شاخص‌هایی نظیر «توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی» (۰.۸۸۶) و «تلفیق منافع گروه‌های مختلف» (۰.۸۱۰) نیز بار عاملی بسیار بالایی داشته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که تقویت انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی واقعی و توجه به تنوع فرهنگی، همگی زمینه‌های لازم برای تقویت حس تعلق مکانی و پایداری اجتماعی در محله را فراهم می‌کنند.

عدالت شهری: شاخص «رعایت عدالت فضایی در تخصیص منابع» و «سیاست‌های تضمین توزیع عادلانه امکانات» نیز از جمله متغیرهایی بودند که بار عاملی نسبتاً بالا داشتند. این نشان می‌دهد که توزیع متوازن خدمات و فرصت‌ها میان مناطق مختلف محله، نه تنها به مشروعیت نظام شهری کمک می‌کند بلکه مؤلفه مهمی در تحقق عدالت مکانی و پایداری اجتماعی محسوب می‌شود.

مشروعیت و شفافیت: میزان تبعیت از قوانین رسمی (مشروعیت) و ارائه به‌موقع اطلاعات به شهروندان (شفافیت) نیز مؤلفه‌های میانی و قابل‌اعتنای تأثیرگذار بر پایداری بودند. در واقع، هر چقدر تصمیمات شهری شفاف‌تر، عادلانه‌تر و مبتنی بر قانون باشند، شهروندان بیشتر در فرآیندهای توسعه‌ای مشارکت کرده و پایداری محیطی و نهادی تسهیل می‌گردد.

ارتقاء کیفیت مدیریت شهری (از طریق مشارکت، شفافیت، تمرکززدایی و...) بهبود مستقیمی در محیط زیست شهری، امکانات زیرساختی، و دسترسی به خدمات عمومی خواهد داشت. همچنین، شاخص مشارکت فرهنگی اجتماعی (مانند فعالیت‌های اجتماعی در محله) از طریق ایجاد سرمایه اجتماعی پایدار، پیوند محکمی با حکمروایی کارآمد دارد.

تحلیل معناداری مدل تأییدی با استفاده از آماره t (آزمون t) در منطقه ۱۲ شهر تهران



شکل ۴. آماره t (آزمون t) برای منطقه ۱۲ شهر تهران

ضریب آماره t بین متغیر «حکمرانی شهری» و «پایداری محله» برابر با ۱۵/۲۹۰ گزارش شده است. این عدد بسیار بالاتر از مقدار آستانه ۱/۹۶ در سطح اطمینان ۹۵٪ و ۲/۵۸ در سطح اطمینان ۹۹٪ است. بنابراین، رابطه بین این دو متغیر به صورت کاملاً معنادار تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که حکمرانی شهری تأثیر معناداری بر افزایش سطح پایداری در منطقه ۱۲ شهر تهران دارد.

#### معناداری بارهای عاملی شاخص‌های مربوط به حکمرانی شهری

شاخص‌هایی با معناداری بسیار بالا (+۵۰) مؤلفه «تمرکززدایی» را نمایندگی می‌کنند و t بسیار بالای آن‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های مرتبط با واگذاری اختیار به نهادهای محلی و کارایی ابزارهای طراحی شده در این زمینه، بالاترین میزان اثرگذاری و اعتبار را در تبیین متغیر حکمرانی شهری دارند. شاخص‌های با معناداری بالا (بین ۳۰ تا ۵۰) مربوط به عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری هستند که تأکید بر توزیع عادلانه منابع، پاسخگویی و مشارکت فعال شهروندان دارند و معناداری بالای آن‌ها، نقش اساسی‌شان در حکمرانی مؤثر را اثبات می‌کند.

شاخص‌های با معناداری متوسط (۱۰ تا ۳۰) نشان می‌دهند که شاخص‌هایی نظیر شفافیت اطلاعات، پاسخگویی نهادها و اثربخشی در اجرای سیاست‌ها نیز با سطح اطمینان بالا در مدل حضور دارند. شاخص‌های با معناداری پایین اما قابل قبول:  $t > 1.96$  مانند «رعایت قوانین» و «ارائه اطلاعات قابل فهم» نیز در مدل باقی مانده‌اند و دارای اثرات معنی‌داری هستند، گرچه میزان اثرگذاری آن‌ها نسبت به شاخص‌های تمرکززدایی و عدالت پایین‌تر است.

#### روایی و پایایی مدل‌های بدست آمده

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل مدل اندازه‌گیری در منطقه ۱۲ شهر تهران، می‌توان ادعان داشت که روایی و پایایی مدل در سطحی بسیار مطلوب قرار دارد. این ارزیابی براساس سه شاخص کلیدی شامل آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا (AVE) انجام گرفته است.

آلفای کرونباخ برای متغیر حکمروایی شهری برابر با ۰/۹۷۰ و برای پایداری محله معادل ۰/۹۲۷ گزارش شده است. این مقادیر نشان‌دهنده همسانی درونی بسیار بالا میان گویه‌های مربوط به هر سازه‌اند. در مطالعات تجربی، مقدار بالاتر از ۰/۷۰ نشان‌دهنده پایایی مناسب است، و مقادیر به‌دست‌آمده در این پژوهش فراتر از این سطح بوده‌اند، که بیانگر ثبات و انسجام قوی ابزار اندازه‌گیری است. پایایی ترکیبی نیز به‌ترتیب برای متغیر حکمروایی شهری و پایداری محله، به‌میزان ۰/۹۷۲ و ۰/۹۳۸ محاسبه شده است. این شاخص که بر مبنای تحلیل عاملی تأییدی ارائه می‌شود، نمایانگر میزان انسجام بین شاخص‌های مشاهده شده و متغیرهای پنهان است. این مقادیر نیز بسیار بالاتر از سطح مطلوب ۰/۷۰ بوده و مؤید سازگاری درونی قوی در سنجش مفاهیم نظری مدل می‌باشد.

در نهایت طبق جدول (۴)، روایی همگرا (AVE) برای حکمروایی شهری ۰/۶۷۲ و برای پایداری محله ۰/۶۲۷ گزارش شده است. این شاخص بیان می‌کند که به‌ترتیب بیش از ۶۷ درصد و ۶۲ درصد از واریانس شاخص‌های مربوطه توسط متغیرهای پنهان اصلی توضیح داده شده‌اند. از آنجا که AVE بیشتر از ۰/۵۰ است، می‌توان نتیجه گرفت که هر دو متغیر از روایی همگرای قوی و قابل قبول برخوردارند.

جدول ۴. مدل ضرایب مسیر مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری متغیرهای اصلی در منطقه ۱۲ شهر تهران

متغیرها	آلفای کرونباخ	Composite Reliability	AVE <sup>۱</sup>
حکمروایی	۰/۹۷۰	۰/۹۷۲	۰/۶۷۲
پایداری محله	۰/۹۲۷	۰/۹۳۸	۰/۶۲۷

### کیفیت مدل اندازه‌گیری

در این بخش، کیفیت مدل اندازه‌گیری انعکاسی برای متغیرهای پژوهش با استفاده از شاخص روایی متقاطع (CV Com)<sup>۲</sup> مورد بررسی قرار گرفته است. این شاخص نشان می‌دهد که تا چه میزان مقادیر متغیرهای پنهان، توانایی پیش‌بینی صحیح متغیرهای مشاهده‌پذیر مربوط به خود را دارند. در واقع، مقدار مثبت این شاخص بیانگر آن است که مدل اندازه‌گیری دارای کیفیت مناسب و روایی قابل قبولی است و شاخص‌های مورد استفاده در مدل توانسته‌اند به‌درستی مفاهیم نظری متغیرهای پنهان را بازنمایی کنند. در این پژوهش، شاخص CV Com برای دو متغیر کلیدی «حکمروایی شهری» و «پایداری محله» در منطقه ۱۲ شهر تهران محاسبه شده است. نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۵) آورده شده است:

جدول ۵. شاخص کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری (CV Com.) در منطقه ۱۲ شهر تهران

متغیرها	SSE/SSO
حکمروایی	۰/۱۹۸
پایداری محله	۰/۱۸۶

### شاخص افزونگی (CV Red.)

<sup>۱</sup>- Average Variance Extracted

<sup>۲</sup> Cross-Validated Communalities

در مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر روش PLS، ارزیابی توان پیش‌بینی مدل نه تنها بر اساس برازش داخلی، بلکه با سنجش قابلیت بازتولید مقادیر مشاهده‌شده نیز انجام می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که در این راستا به کار گرفته می‌شود، شاخص افزونگی (CV Red) Cross-Validated Redundancy است که از طریق روش Blindfolding و با تکیه بر معیار  $Q^2$  استون-گایسler محاسبه می‌شود. این شاخص نشان می‌دهد که مدل ساختاری تا چه حد در پیش‌بینی مقادیر متغیرهای پنهان درون‌زا و بازسازی داده‌های مشاهده‌شده عملکرد دارد. مقدار به دست آمده برای متغیر حکمروایی ۰/۲۰۱ و برای پایداری محله ۰/۱۹۵ می‌باشد.

جدول ۶. شاخص ضریب تعیین ( $R^2$ ) متغیرهای اصلی در منطقه ۱۲ شهر تهران

متغیرها	SSE/SSO
حکمروایی	۰/۲۰۱
پایداری محله	۰/۱۹۵

در تفسیر نتایج مقدار ۰/۲۰۱ برای متغیر حکمروایی شهری و ۰/۱۹۵ برای متغیر پایداری محله، بیانگر آن است که هر دو سازه در مدل، قابلیت پیش‌بینی دارند؛ اما در مقایسه نسبی، متغیر حکمروایی شهری از قدرت پیش‌بینی اندکی بالاتر برخوردار است. این تفاوت می‌تواند ناشی از استحکام بیشتر روابط بین شاخص‌های مشاهده‌شده مرتبط با حکمروایی و انسجام بالاتر پاسخ‌های نمونه در این مؤلفه باشد.

در بافت شهری منطقه ۱۲ شهر تهران که دارای ویژگی‌های متنوعی نظیر قدمت تاریخی، تراکم بالای جمعیت، و حضور نهادهای محلی است، انتظار می‌رود که شاخص‌های مربوط به حکمروایی (نظیر تمرکززدایی، شفافیت، مشروعیت و مسئولیت‌پذیری) تأثیر مهمی در شکل‌دهی به پایداری محلی ایفا کنند. مقدار بالاتر  $Q^2$  در متغیر حکمروایی می‌تواند مؤید این باشد که ساکنان منطقه ۱۲ شهر تهران نسبت به عملکرد نهادهای محلی، دسترسی به اطلاعات، یا امکان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شهری، پاسخ‌های منسجم‌تر و قابل پیش‌بینی‌تری ارائه داده‌اند.

بر اساس نتایج به دست آمده از شاخص افزونگی، می‌توان گفت که مدل تحقیق در منطقه ۱۲ شهر تهران از کیفیت پیش‌بینی متوسط به بالا برخوردار است مدل توانسته است ارتباط معناداری میان حکمروایی شهری و پایداری محله برقرار کند و تغییرات مربوط به شاخص‌های محلی را به خوبی تبیین نماید. برای ارتقاء عملکرد مدل، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، بررسی شود که آیا گنجاندن شاخص‌های محلی خاص‌تری مانند «سیاست‌گذاری در بافت فرسوده»، «کیفیت خدمات محله‌محور» یا «نقش شورایاری‌ها» می‌تواند قدرت پیش‌بینی مدل را به‌ویژه در مؤلفه پایداری محله افزایش دهد.

## نتیجه‌گیری

پس از تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های توزیع‌شده میان ۴۰۰ نفر از ساکنان محلات مختلف منطقه ۱۲ شهر تهران پرداخته شد. هدف اصلی، بررسی تجربی تأثیر مؤلفه‌های حکمروایی شهری بر پایداری محله‌ای با بهره‌گیری از تکنیک‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM) بوده است. منطقه ۱۲ شهر تهران با ویژگی‌های خاصی همچون بافت تاریخی، تراکم جمعیتی بالا، حضور گسترده کسب‌وکارهای خرد، و در عین حال، چالش‌هایی مانند فرسودگی

کالبدی و ضعف خدمات زیرساختی، نمونه‌ای مناسب برای ارزیابی کارآمدی سیاست‌های حکمرانی محلی و نقش آن در ارتقای کیفیت زندگی شهری به شمار می‌آید.

پیش از انجام تحلیل‌های پیشرفته، ابتدا مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی پاسخ‌دهندگان از طریق آمار توصیفی بررسی شد تا تصویری کلی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و زمینه‌ای نمونه به دست آید. در ادامه، میانگین، انحراف معیار و واریانس پاسخ شرکت‌کنندگان به هریک از شاخص‌های مرتبط با دو عامل اصلی تحقیق، یعنی حکمروایی و پایداری محله، تحلیل گردید تا میزان پراکندگی و گرایش مرکزی داده‌ها مشخص شود. این تحلیل اولیه، مبنایی برای شناخت وضعیت موجود و تفسیر نتایج مدل‌سازی فراهم ساخت. داده‌های گردآوری شده از نظر نرمال بودن نیز بررسی شد. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان داد که توزیع داده‌ها نرمال نیست، بنابراین روش حداقل مربعات جزئی (PLS) برای مدل‌سازی انتخاب شد که برای داده‌های غیرنرمال و ساختارهای پیچیده بسیار مناسب است. پس از حذف شاخص‌های ضعیف، بارهای عاملی باقی‌مانده برای سایر متغیرها در دامنه‌ها قرار گرفت که نشان‌دهنده کفایت نسبی شاخص‌ها بود. شاخص‌های پایایی از جمله آلفای کرونباخ (۰/۹۷۰ برای حکمروایی و ۰/۹۲۷ برای پایداری محله) و پایایی ترکیبی (CR) بالای ۹۳ درصد، همچنین روایی همگرا (AVE) بیشتر از ۰/۶، همگی نشان‌دهنده ثبات، انسجام و کیفیت بالای ابزار اندازه‌گیری بوده‌اند. افزون بر این، شاخص  $Q^2$  در هر دو متغیر مثبت و قابل قبول گزارش شده که دلالت بر پیش‌بینی‌پذیری مناسب مدل دارد.

مدل ساختاری نهایی پژوهش نشان داد که متغیر حکمروایی شهری با ضریب مسیر ۰/۵۹۸، تأثیر معنادار، مستقیم و مثبت بر پایداری محله‌ای در منطقه ۱۲ دارد. نتایج حاصل از تحلیل آماره  $t$  نیز این رابطه را در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید کرد ( $t\text{-value} > 1.96$ ) این امر حاکی از آن است که بهبود سازوکارهای حکمرانی، مانند شفافیت، تمرکززدایی، پاسخگویی نهادهای محلی، عدالت فضایی، و اثربخشی در اجرای سیاست‌ها می‌تواند به شکل قابل‌توجهی موجب ارتقای شاخص‌های پایداری نظیر امنیت، زیرساخت، محیط زیست، مشارکت اجتماعی، اقتصاد خرد و خدمات فرهنگی-آموزشی شود.

در مرحله نخست، آمار توصیفی متغیرها استخراج شد تا تصویری کلی از گرایش پاسخ‌دهندگان به گویه‌های پرسشنامه در دو دسته حکمروایی و پایداری محله به دست آید. از منظر تفسیر توصیفی، میانگین پاسخ شرکت‌کنندگان به سؤالات مربوط به مؤلفه حکمروایی شهری برابر با ۲/۲۸ و برای پایداری محله‌ای برابر با ۲/۴۷ بوده است. از آنجا که طیف پاسخ‌ها در پرسشنامه از «۱ = بسیار مناسب» تا «۵ = خیلی ضعیف» طراحی شده، این میانگین‌ها نشان می‌دهد که ارزیابی کلی پاسخ‌دهندگان نسبت به هر دو مؤلفه در محدوده «نسبتاً مناسب» قرار دارد. به عبارت دیگر، وضعیت موجود نه ایده‌آل است و نه بحرانی، بلکه در نقطه‌ای ایستاده است که به شرط اصلاحات مناسب می‌توان آن را بهبود بخشید. میانگین پایین‌تر متغیر حکمروایی نسبت به پایداری نیز حاکی از آن است که پاسخ‌دهندگان عملکرد نهادهای مدیریتی را نسبت به کیفیت کلی زندگی محله‌ای اندکی مناسب‌تر ارزیابی کرده‌اند. با این حال، برخی مؤلفه‌ها مانند اطاعت از قانون و عدالت در توزیع منابع، دارای میانگین بالاتری بوده‌اند که نشان‌دهنده نارضایتی نسبی در این زمینه‌هاست.

در ارزیابی دقیق‌تر شاخص‌های اثرگذار، تحلیل بارهای عاملی نشان داد که در میان مؤلفه‌های حکمروایی شهری، شاخص‌هایی مانند میزان کارایی ابزارهای طراحی شده برای تقویت نقش نهادهای محلی با بار عاملی ۰/۹۳۴؛ تلفیق منافع گروه‌های مختلف در تصمیم‌گیری شهری با بار عاملی ۰/۸۱۰ و توجه به رفاه اجتماعی و انسجام جامعه در برنامه‌های توانمندسازی شهری با بار عاملی ۰/۸۵۰ از بالاترین تأثیرگذاری در تعریف متغیر حکمروایی برخوردار بوده‌اند. این یافته‌ها

نشان می‌دهند که از نگاه شهروندان منطقه ۱۲، توانمندسازی نهادهای محلی و مشارکت واقعی گروه‌های مختلف اجتماعی در تصمیم‌گیری‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت حکمروایی دارند.

در سوی دیگر، شاخص‌های پایداری محله‌ای مانند میزان نظارت‌های امنیتی مانند دوربین مداربسته، دسترسی به کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی، کیفیت فضاهای سبز و پارک‌ها و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک محلی بالاترین بار عاملی را در ساخت متغیر پایداری داشته‌اند که نشان می‌دهد امنیت شهری، خدمات فرهنگی و حمایت از اقتصاد محلی سه مؤلفه حیاتی در ادراک پایداری از دیدگاه پاسخ‌دهندگان هستند.

نتایج به دست آمده در مبانی نظری پژوهش نیز تا حدودی همخوانی دارد. از نظر اغلب نظریات ارائه شده در مقاله در انواع مشارکت، زمینه یا محیط سیاسی مهم است. همچنین نتیجه‌ای پژوهش با نظریه ارنشتاین نیز تفسیرشدنی است. می‌توان گفت وضعیت مشارکت در کشورهای جهان سوم بی‌درجات مختلف مشارکت مورد بحث ارنشتاین در نوسان است و بیشتر در وسط نردبان مشارکت قرار می‌گیرند؛ یعنی مشارکت‌ها جزئی در این مناطق وجود دارد و شهروندان کاملاً در مشارکت سیاسی و اجتماعی اختیار کامل ندارند.

مقایسه نتایج تحقیق حاضر با مطالعات پیشین داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که ارتباط میان حکمروایی خوب و پایداری محله‌ای، موضوعی پررنگ در ادبیات علمی است. در سطح داخلی، پژوهش‌هایی مانند مطالعه مرادی و همکاران (۱۳۹۶) در منطقه ۶ تهران، تأثیر مثبت مشارکت شهروندان و شفافیت نهادی بر پایداری محله‌ای را تأیید کرده‌اند. همچنین، تحقیق شریف‌زاده اقدم و همکاران (۱۳۹۷) در پیرانشهر نشان داد که عدم حضور مؤثر مردم در مدیریت شهری، تأثیر منفی بر پایداری محلات دارد. در قزوین نیز، سرافی و غنّاد (۱۳۹۹) به این نتیجه رسیدند که ضعف در مؤلفه‌های حکمروایی، به‌ویژه در بُعد نهادی، منجر به ناپایداری محله‌ها می‌شود.

در سطح بین‌المللی، مطالعاتی مانند پژوهش منتشرشده در مجله *Sustainability* (۲۰۲۳) تأکید دارند که حکمروایی خوب، به‌ویژه در مقیاس کلان‌شهری، نقش کلیدی در افزایش تاب‌آوری و پایداری شهری ایفا می‌کند. همچنین، مقاله‌ای در *ScienceDirect* (۲۰۱۸) بر اهمیت مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی در ارزیابی پایداری محله‌ها تأکید کرده است.

دکترین (تر) این تحقیق بر این اصل اساسی استوار است که تحقق توسعه پایدار در محلات شهری ایران، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که اصول حکمروایی خوب به‌عنوان بنیان مدیریت شهری در سطح خرد-یعنی در سطح محله-مستقر شود. بر اساس این رویکرد، محله نه‌فقط یک واحد جغرافیایی، بلکه اصلی‌ترین میدان کنش و واکنش میان شهروندان و نهادهای مدیریتی است؛ جایی که کیفیت خدمات، مشروعیت ساختارهای حکمرانی، و حس تعلق شهروندان به‌صورت عینی و ملموس تجربه می‌شود. از این منظر، توسعه‌ای که صرفاً بر بهبود زیرساخت‌ها و شاخص‌های کالبدی یا اقتصادی مبتنی باشد، بدون پشتوانه نهادهای مشروع، پاسخگو، شفاف و مشارکت‌محور، به پایداری واقعی نمی‌انجامد. تز این تحقیق بر نقش راهبردی نهادهای محلی و سازمان‌های مدنی در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه‌محور تأکید دارد و بر این باور است که تمرکززدایی، توجه به عدالت فضایی، تلفیق منافع گروه‌های اجتماعی، و تقویت حس تعلق به محله، می‌تواند منجر به شکل‌گیری یک نظام حکمروایی مبتنی بر اعتماد عمومی و در نتیجه دستیابی به پایداری فراگیر گردد. در نهایت، این دکترین تلاش دارد الگوهای جهانی حکمروایی خوب را با ویژگی‌های بومی و زمینه‌ای ایران- و به‌ویژه با شرایط خاص منطقه ۱۲ شهر تهران- تطبیق داده و مدلی علمی و عملی برای ارتقاء کیفیت حکمرانی محله‌ای ارائه دهد.

لذا تحقیق حاضر با عنوان بررسی تأثیر حکمروایی خوب بر پایداری محله‌ای در منطقه ۱۲ شهر تهران، از منظر روش‌شناختی، مفهومی و کاربردی، واجد چندین جنبه نوآورانه و متمایز مانند ترکیب نظریه‌های حکمروایی با رویکرد محله‌محور در برنامه‌ریزی شهری، تدوین یک چارچوب ارزیابی ترکیبی بر پایه مدل PLS-SEM و بررسی دقیق بارهای عاملی، شاخص‌های پایایی، روایی همگرا و واگرا، و ضرایب مسیر، اعتبار علمی این پژوهش را در سطح بالایی از حوزه روش‌شناسی، تمرکز بر منطقه‌ای خاص (۱۲ تهران) با ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی و کالبدی منحصربه‌فرد در ابعادی کاربردی و زمینه‌محور، ارائه یک الگوی تحلیلی برای ارزیابی همزمان چند بُعد از پایداری محله‌ای و طراحی مدل بومی‌سازی شده برای سنجش حکمروایی شهری در ایران (بومی‌سازی شاخص‌های حکمروایی خوب در چارچوب شهری ایران و مقیاس محله‌ای) است که آن را از پژوهش‌های پیشین در حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری، مدیریت محله‌ای و توسعه پایدار متمایز می‌سازد. این چارچوب نه تنها برای شناخت دقیق‌تر عملکرد نظام مدیریت شهری، بلکه برای بازاندیشی در سیاست‌گذاری‌های محله‌محور در کشور کاربرد دارد و قابلیت تعمیم به سایر مناطق شهری ایران را نیز دارد.

کاربرد نتایج این تحقیق در چندین سطح کلیدی، به‌ویژه در حوزه سیاست‌گذاری شهری، برنامه‌ریزی محله‌محور، و اصلاح سازوکارهای حکمروایی محلی در ایران قابل توجه است. نخست، یافته‌های پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک ابزار تحلیلی برای شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی شهر و نهادهای محلی در ارزیابی وضعیت فعلی حکمروایی در محلات مورد استفاده قرار گیرد و بر اساس آن، نقاط ضعف و قوت در حوزه‌هایی مانند تمرکززدایی، شفافیت، عدالت فضایی، و مشروعیت نهادی شناسایی شود.

دوم، این نتایج می‌تواند مبنای تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی قرار گیرند که هدف آن‌ها ارتقاء پایداری محله‌ای از طریق بهبود کیفیت مدیریت شهری و افزایش مشارکت مردمی است. به‌ویژه در مناطقی مانند منطقه ۱۲ شهر تهران که با مسائل پیچیده‌ای همچون فرسودگی بافت، تراکم بالا، نابرابری فضایی، و ضعف اعتماد اجتماعی روبرو هستند، الگوی استخراج‌شده از این تحقیق می‌تواند راهنمایی مؤثر برای طراحی مداخلات برنامه‌ریزی مبتنی بر عدالت، پاسخگویی و مشارکت باشد.

همچنین، نتایج این پژوهش می‌تواند برای نهادهای ملی مانند سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، وزارت کشور، و سازمان برنامه و بودجه به‌عنوان مرجع تصمیم‌گیری جهت بازنگری در چارچوب‌های حکمروایی شهری و سیاست‌های توسعه منطقه‌ای استفاده شود. در حوزه دانشگاهی و مطالعات شهری نیز، این تحقیق بستر مناسبی برای گسترش نظریه‌های مرتبط با پیوند میان حکمروایی و پایداری محله‌ای فراهم می‌سازد و می‌تواند الهام‌بخش پژوهش‌های بعدی در زمینه تطبیق‌پذیری مدل‌های حکمروایی خوب با شرایط بومی ایران باشد. در نهایت، این نتایج می‌توانند به نهادهای مردم‌نهاد، گروه‌های مدنی و کنشگران اجتماعی کمک کنند تا با درک دقیق‌تری از سازوکارهای تأثیرگذار بر کیفیت زندگی در سطح محله، نقش مؤثرتری در تصمیم‌سازی‌ها و فرایندهای برنامه‌ریزی شهری ایفا کنند.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که در منطقه ۱۲ شهر تهران، راهبردهای حکمروایی مطلوب نه تنها باید ناظر بر ساختارهای قانونی و مدیریتی باشند، بلکه باید در عمل به افزایش شفافیت، اعتماد عمومی، مشارکت معنادار، و عدالت در توزیع خدمات و امکانات شهری بینجامند. دستیابی به پایداری محله‌ای پایدار، بدون پیاده‌سازی مؤلفه‌های حکمروایی مؤثر، امکان‌پذیر نیست. در نهایت نشان می‌دهد که نقشه راه اصلاحات شهری در مناطق مرکزی مانند منطقه ۱۲ شهر تهران، باید از دریچه اصلاح درون‌ساختاری حکمرانی محلی آغاز شود در غیر این صورت، تلاش‌ها برای توسعه پایدار محلی ناکام خواهد ماند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که دستیابی به پایداری محله‌ای در منطقه ۱۲ شهر تهران، در گرو بازتعریف نقش نهادهای محلی، افزایش اختیارات، ایجاد سازوکارهای عادلانه توزیع منابع، و ارتقای انسجام اجتماعی در چارچوب حکمروایی خوب است. این مسیر، نه با اقدامات متمرکز و دستوری، بلکه با اعتمادسازی، تفویض اختیار و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی و مردمی ممکن خواهد بود.

### پیشنهادات راهبردی

با توجه به یافته‌های تفصیلی پژوهش در منطقه ۱۲ تهران و تأثیر معنادار مؤلفه‌های حکمروایی خوب بر پایداری محله‌ای، مجموعه‌ای از پیشنهادات کاربردی و سیاست‌محور به شرح زیر ارائه می‌شود. این پیشنهادات (جدول ۷)، در راستای ارتقاء کیفیت مدیریت شهری، تقویت سرمایه اجتماعی، و دستیابی به توسعه پایدار محله‌ای تدوین شده‌اند:

جدول ۷. پیشنهادات

پیشنهادات	اقدامات اجرایی	پیشنهادات	اقدامات اجرایی
تقویت نهادهای محلی و اجرای تمرکززدایی واقعی	واگذاری اختیارات عملیاتی و اجرایی از شهرداری مرکزی به نهادهای محلی و دفاتر خدمات شهری در محلات مختلف منطقه ۱۲، به‌ویژه در زمینه برنامه‌ریزی پروژه‌های خردمحلی.	راه‌اندازی پلتفرم‌های دیجیتال محله‌محور جهت اطلاع‌رسانی عمومی درباره پروژه‌ها، بودجه‌ها و زمان‌بندی اجرای طرح‌ها در منطقه ۱۲.	اطلاع‌رسانی عمومی در نظام مدیریت شهری
ارتقای عدالت فضایی با تمرکز بر مناطق کم‌برخوردار	توسعه چارچوب قانونی برای تفویض تصمیم‌گیری‌های مربوط به اولویت‌بندی بودجه‌های توسعه محله‌ای به شوراهای محله و انجمن‌های مردمی.	الزام به برگزاری جلسات عمومی و انتشار صورتجلسات شوراهای محله در وبسایت‌های محلی و تابلوهای اعلانات در مراکز فرهنگی و سرای محلات.	توسعه چارچوب قانونی برای تفویض تصمیم‌گیری‌های مربوط به اولویت‌بندی بودجه‌های توسعه محله‌ای به شوراهای محله و انجمن‌های مردمی.
توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی با رویکرد اجتماع‌محور	تخصیص منابع توسعه‌ای و زیرساختی به صورت هدفمند به بافت‌های فرسوده و محله‌هایی که در ارزیابی‌های پایداری محله‌ای نمرات پایین‌تری کسب کرده‌اند (مانند محدوده‌های اطراف بازار یا بافت‌های پیرامونی امامزاده یحیی).	طراحی سازوکارهای نظارت مردمی از طریق نهادهای مدنی بر اجرای پروژه‌های محله‌ای.	تقویت مشروعیت نهادی و افزایش اعتماد عمومی
توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی با رویکرد اجتماع‌محور	تهیه و اجرای «نقشه عدالت شهری» برای توزیع متوازن فضاهای سبز، خدمات عمومی، حمل‌ونقل و مراکز فرهنگی در سطح نواحی مختلف منطقه ۱۲.	برگزاری دوره‌های آموزشی در مدارس و سرای محلات در خصوص حقوق شهروندی، فرآیندهای تصمیم‌گیری محلی و شیوه‌های مشارکت مؤثر در اداره شهر.	تقویت مشروعیت نهادی و افزایش اعتماد عمومی
توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی با رویکرد اجتماع‌محور	حمایت از شکل‌گیری انجمن‌های محلی، تعاونی‌های فرهنگی و شوراهای جوانان در محلات مختلف منطقه برای افزایش انسجام اجتماعی و مشارکت عمومی.	طراحی و اجرای شاخص‌های محله‌محور برای ارزیابی کیفیت خدمات شهری، با مشارکت شهروندان در تعیین اولویت‌ها و شاخص‌های ارزیابی.	افزایش اثربخشی سیاست‌گذاری شهری و سنجش‌پذیری عملکردها
توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی با رویکرد اجتماع‌محور	بازتخصیص بخشی از بودجه‌های فرهنگی به تجهیز کتابخانه‌های محلی، مراکز فرهنگی چندمنظوره و فضاهای گفتگو و تعامل اجتماعی در محله‌ها.	الزام به ارائه گزارش‌های سالانه عملکرد محله‌ای توسط شهرداری ناحیه و مقایسه آن‌ها با شاخص‌های پایداری.	سنجش‌پذیری عملکردها
توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی با رویکرد اجتماع‌محور	برگزاری جشنواره‌های سالانه مشارکت شهری با محوریت مشارکت ساکنان در طراحی و پیاده‌سازی	تدوین پیوست‌های اجتماعی-حکمروایی برای کلیه طرح‌های عمرانی و نوسازی در منطقه ۱۲، به‌گونه‌ای	تدوین پیوست‌های اجتماعی-حکمروایی برای کلیه طرح‌های عمرانی و نوسازی در منطقه ۱۲، به‌گونه‌ای

تسهیل و تشویق مشارکت خودانگیزه ساکنان	پروژه‌های محله‌ای (مانند دیوارنگاری، تجهیز فضای عمومی، نظافت محلی).	ایجاد پیوست حکمروایی برای پروژه‌های شهری	که تحلیل تأثیر آن‌ها بر عدالت فضایی، مشارکت مردمی، و انسجام اجتماعی لحاظ شود. تعهد به ارزیابی تأثیرات اجتماعی قبل و بعد از اجرای پروژه‌های توسعه محله‌ای.
اقدامات مرتبط توسعه محله محور	اساس یافته‌های پژوهش، سند راهبردی محله پایه برای تقویت حکمروایی خوب و پایداری در محلات منطقه ۱۲ شهر تهران تدوین گردد.	اقدامات مرتبط توسعه محله محور	تلفیق با رویکردهای جدید: تلفیق مفهوم محله پایدار و حکمروایی خوب با رویکردهای جدید مانند شهر تاب آور، اقتصاد circular، و شهر
	با توجه به رشد فناوری‌های هوشمند، پیشنهاد می‌شود از نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (مانند پلتفرم‌های مشارکت الکترونیک) در تقویت حکمروایی خوب و پایداری محلات منطقه ۱۲ شهر تهران استفاده گردد.		تأثیر فناوری‌های نوین: با توجه به رشد فناوری‌های هوشمند، پیشنهاد می‌شود از نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (مانند پلتفرم‌های مشارکت الکترونیک) در تقویت حکمروایی خوب و پایداری محلات منطقه ۱۲ شهر تهران استفاده گردد.

این پیشنهادها، نه فقط در سطح برنامه‌ریزی، بلکه در اجرا، نظارت و ارزیابی نیز می‌توانند به بهبود عملکرد حکمروایی و پایداری محلات منطقه ۱۲ تهران بینجامند. اجرای آن‌ها مستلزم هماهنگی میان نهادهای مختلف شهری، همکاری جدی نهادهای محلی و مشارکت فعال شهروندان خواهد بود. موفقیت این مسیر، وابسته به اراده مدیریتی در جهت تغییر رویکرد از برنامه‌ریزی بالا به پایین به سمت یک حکمروایی مشارکتی و پایدار است.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

## Extended Abstract

### Introduction

Rapid urbanization has become one of the defining global transformations of the modern era, fundamentally reshaping the spatial, social, economic, and institutional fabric of cities worldwide. Urban population growth has accelerated dramatically, with projections indicating that urban residents will constitute nearly two-thirds of the global population by 2050 (2). This demographic shift has been accompanied by profound structural challenges, including increased pressure on infrastructure, environmental degradation, social inequalities, and governance inefficiencies, particularly in developing countries (3, 11). In Iran, urban expansion has been especially rapid, resulting in substantial growth in the number of cities and intensifying the complexity of urban management and sustainability challenges (6). These transformations have necessitated new conceptual and practical frameworks to address the multidimensional nature of urban sustainability and governance (1, 4).

In response to these challenges, the concept of sustainable development has emerged as a central paradigm in urban planning and policy, emphasizing the need to balance economic growth, environmental protection, and social equity while ensuring long-term viability (8, 9). At the neighborhood level, sustainability is understood as a participatory and locally grounded process aimed at enhancing the quality of life and strengthening social cohesion while preserving environmental and cultural resources (10, 44). Sustainable neighborhoods serve as the fundamental units of urban sustainability, as they provide the spatial and social context in which daily life unfolds and collective urban identity is formed. These neighborhoods must integrate infrastructure, social interaction, economic vitality, and environmental stewardship to achieve long-term resilience and livability (45, 46).

Alongside the evolution of sustainability discourse, the concept of good urban governance has gained prominence as a critical mechanism for addressing the institutional and managerial dimensions of urban development. Since its emergence in development literature during the late twentieth century, good governance has been recognized as a fundamental prerequisite for achieving sustainable and equitable development (29, 30). Governance refers not merely to administrative management but to a broader process involving collaboration among governmental institutions, civil society, and the private sector in shaping urban decision-making and resource allocation (38). Key principles of good governance include participation, transparency, accountability, equity, efficiency, and rule of law, all of which contribute to more inclusive, effective, and legitimate urban management systems (35, 42).

Good urban governance plays a crucial role in strengthening institutional capacity, enhancing citizen participation, and improving service delivery, thereby directly influencing the sustainability of urban environments (36, 41). By fostering collaboration among stakeholders and decentralizing decision-making processes, governance systems can better respond to local needs and promote sustainable development outcomes (18, 20). Empirical studies have demonstrated that governance mechanisms significantly affect urban sustainability indicators, including infrastructure quality, environmental protection, social inclusion, and economic stability (16, 21).

Despite the recognized importance of governance in shaping urban sustainability, many cities—particularly those with historical, socio-economic, and structural complexities—continue to face governance deficiencies that hinder sustainable neighborhood development. District 12 of Tehran, as one of the oldest and most historically significant urban areas in Iran, exemplifies these challenges. The district is characterized by physical deterioration, infrastructural inadequacies, social inequalities, and fragmented governance structures, all of which undermine its sustainability potential (26, 28). These

conditions highlight the urgent need to examine the relationship between governance mechanisms and neighborhood sustainability at the local scale. Therefore, this study aims to analyze the impact of good urban governance components on sustainable neighborhood development in District 12 of Tehran and to identify the governance factors that most significantly contribute to neighborhood sustainability.

### Methods and Materials

This study employed an applied, descriptive–analytical, and exploratory research design to examine the relationship between good urban governance and neighborhood sustainability in District 12 of Tehran. The research methodology integrated both theoretical and empirical approaches to ensure comprehensive analysis and robust findings. In the theoretical phase, relevant literature on urban governance, sustainable development, and neighborhood sustainability was systematically reviewed to develop a conceptual framework linking governance components to sustainability dimensions.

The empirical phase involved field data collection using a structured questionnaire designed specifically for this research. The questionnaire was developed based on the conceptual indicators of good governance and sustainable neighborhood development, including participation, transparency, accountability, decentralization, justice, infrastructure quality, environmental conditions, cultural access, social cohesion, and economic stability. The questionnaire employed a five-point Likert scale to measure respondents' perceptions and experiences related to governance and sustainability indicators.

The statistical population consisted of residents, local stakeholders, and urban experts in District 12 of Tehran. Using Cochran's sampling formula, a sample size of 400 participants was determined to ensure statistical validity and representativeness. Participants were selected using purposive sampling to include individuals with sufficient familiarity with neighborhood conditions and governance structures.

The reliability of the questionnaire was assessed using Cronbach's alpha coefficient, which exceeded the acceptable threshold, confirming internal consistency and measurement reliability. Data analysis was conducted using SPSS software for descriptive statistical analysis and normality testing, and SmartPLS software for structural equation modeling using the Partial Least Squares (PLS) approach. The analytical process included confirmatory factor analysis to assess measurement validity and structural equation modeling to examine causal relationships between governance and sustainability variables.

### Findings

The findings of this study indicate a strong and statistically significant relationship between good urban governance and neighborhood sustainability in District 12 of Tehran. Structural equation modeling results revealed a positive path coefficient of 0.598 between governance and sustainability, demonstrating that improvements in governance quality directly enhance neighborhood sustainability outcomes. The *t*-value associated with this relationship was 15.290, confirming statistical significance at a high confidence level.

Measurement model analysis confirmed the reliability and validity of the governance and sustainability constructs. Cronbach's alpha values exceeded 0.90 for both constructs, indicating excellent internal consistency. Factor loadings for governance indicators showed that decentralization, social inclusion, transparency, and institutional legitimacy were among the strongest contributors to governance quality. Decentralization emerged as the most influential governance component, highlighting the importance of empowering local institutions and enabling participatory decision-making processes.

Similarly, sustainability indicators demonstrated strong factor loadings, particularly for environmental quality, infrastructure availability, safety and security, and access to cultural and educational services. Environmental indicators, including urban cleanliness, green space accessibility, and environmental health, exhibited the highest factor loadings, indicating their central

role in shaping residents' perceptions of neighborhood sustainability. Infrastructure indicators, such as transportation accessibility and public service availability, also played a significant role in determining sustainability outcomes.

Normality testing results indicated that the data were not normally distributed, justifying the use of the PLS structural equation modeling approach, which is suitable for non-normal data. The structural model demonstrated strong predictive power, confirming that governance variables significantly explain variations in neighborhood sustainability. Overall, the results provide empirical evidence supporting the hypothesis that governance quality is a key determinant of sustainable neighborhood development.

### Discussion and Conclusion

The findings of this study demonstrate that good urban governance plays a critical and transformative role in shaping sustainable neighborhood development. Governance mechanisms influence sustainability not only through administrative efficiency but also through participatory engagement, equitable resource allocation, and institutional transparency. Decentralization, in particular, enables local stakeholders to participate more effectively in decision-making processes, ensuring that urban policies reflect community needs and priorities.

The results highlight the importance of transparency and accountability in fostering trust between citizens and urban institutions. When residents perceive governance systems as transparent and fair, they are more likely to engage in collective action and support sustainability initiatives. Similarly, equitable distribution of resources and services enhances social cohesion and reduces spatial inequalities, contributing to long-term neighborhood stability and resilience.

Environmental sustainability emerged as a key outcome of effective governance, demonstrating that governance quality directly influences environmental management, infrastructure provision, and service delivery. These findings emphasize that sustainable urban development cannot be achieved solely through technical or physical interventions; it requires institutional reforms that strengthen governance structures and promote inclusive participation.

In conclusion, this study confirms that good urban governance is a fundamental prerequisite for achieving sustainable neighborhood development. Strengthening governance mechanisms, enhancing institutional transparency, empowering local communities, and promoting participatory decision-making are essential strategies for improving sustainability outcomes. Policymakers and urban planners should prioritize governance reforms that foster institutional capacity, social equity, and community engagement to ensure long-term urban sustainability. The integration of governance principles into neighborhood planning and management provides a viable pathway for addressing complex urban challenges and enhancing the quality of life in urban environments.

### References

1. Admiraal H, Cornaro A. Future cities, resilient cities - The role of underground space in achieving urban resilience. *Underground Space*. 2019.
2. United Nations. *World Urbanization Prospects: The 2014 Revision*. New York: United Nations Department of Economic and Social Affairs; 2014.
3. Abdi K, Jafari Mehrabadi M, Safaei Rineh M, Allahyari S. Measuring citizen satisfaction with municipal performance with a good urban governance approach (Case study: Kiasar City). *Environmental Management*. 2019;12(45):139-66.
4. Kanaanpour A, Masoumi M, Nazmfar H. Analysis of spatial justice in the allocation of urban land uses (Case study: Five districts of Ardabil City). *Urban Planning Geography Research*. 2021;9(3):637-62.
5. Kaviani A, Farhoudi R, Rajabi A. Urban growth and its driving factors (Case study: Tehran Metropolitan Area). *Geography*. 2017;15(55):21-6.
6. Hosseini S. Measuring the level of citizen participation in urban management based on the urban governance model (Case study: District 5 of Tehran Municipality). *Urban Management Studies*. 2021;13(46):35.
7. Poureisa Chafjiri M, Molaei Hashtjin N, Amar T. An analysis of the failure of the rural planning policy system with an emphasis on spatial justice (Case study: North Khorasan Province). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*. 2022;17(1):145-59.

8. Akbari M, Bostan Ahmadi V, Taleshi Anbouhi M, Zarghamfard M. Analysis of factors affecting the livability of informal settlements (Case study: Hakim Nezami Neighborhood of Urmia). *Geographical Engineering of the Territory*. 2024;8(2):33-48.
9. Akbari N, Haghshenas M, editors. Investigating the performance of the municipality within the framework of good urban governance in the fourteen districts of Isfahan 2013.
10. Amini S, Ahmadzadeh H, Houshyar H, Valizadeh R. Identification of future components of urban livability with a futures studies approach (Case study: Mahabad City). *Journal of Sustainable City*. 2021(4).
11. Habibi D, Mahboubi S. Explaining the relationship between good urban governance and citizen satisfaction with municipal performance (Case study: Dogonbadan City). *Haft Hesar Environmental Studies*. 2019;8(30):47-85.
12. Ziyari K, Nikpay V, Hosseini A. Measuring the level of citizen participation in urban management based on the good urban governance model (Case study: Yasuj City). *Housing and Rural Environment*. 2013;32(141):69-86.
13. Bandarabad A. *Livable City from Foundations to Meaning*. First Edition ed. Tehran: Azarakhsh Publications; 2023.
14. Hataminejad H, Kanouni Moghadam N. Structural analysis of urban environmental governance with a futures studies approach (Case study: Tehran City). *Journal of Human Settlements Planning Studies*. 2024;19(1):16-151.
15. Hataminejad H, Pourahmad A, Niazi Z. Measuring the dimensions of livability and sustainable neighborhood development (Case study: Neighborhoods of Sarab City). *Journal of Economic Geography Research*. 2021;2(3).
16. Nazari M, Etemadi K, Ghazi Mirsaid SM. Evaluation of the urban management system of Semnan City with a good urban governance approach. *Physical Development Planning*. 2024;11(2):89-112.
17. Samimian M, KarkehAbadi Z, Kamyabi S. The role of good urban governance in resolving the instability of dysfunctional middle fabrics of Semnan City. *Journal of Physical Development Planning*. 2023;8(1):89-102.
18. Sasanpour F, Hakimi M. The impact of ecological foundations on the livability of urban areas; Case study of District 1 of Tehran. *Journal of Ecological Research*. 2023;14(1):30.
19. Davoodi P, Farrokhi A. Foresight in urban planning: Emerging trends in future-oriented approaches. *Urban Futures Journal*. 2024;7(1):123-38.
20. Karami M, Soltani S. Integrating future studies into urban planning: A case study approach. *Journal of Urban Planning and Development*. 2023;149(3):1-15.
21. Tavakolinia J, Imani Jajarmi H, Yadollahnia H. Analysis of the position of good governance in urban management performance (Case study: Babol City). *Journal of Environmental Management*. 2021;14(53):151-68.
22. Vaziri Nasirabad A, Zakerhaghighi K, Baghdadi A. Analysis of factors facilitating efficiency in urban land management based on the integrated urban land governance model of actors (Case study: Gorgan City). *Journal of Human Settlements Planning Studies*. 2022;17(2):247-360.
23. Vakilian H, Arghan A, Kamyabi S. Explaining the smart urban management model to improve good urban governance (Case study: Shahroud City). *Journal of Human Settlements Planning Studies*. 2024;19(3):181-95.
24. Karimi M, Ghanbari A. Cultural heritage and urban regeneration: Innovative strategies in contemporary city planning. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*. 2023;50(3):450-67.
25. Salimi A, Rahimi H. Renewal strategies for deteriorated urban heritage: Integrating future studies in urban design. *Journal of Urban Design*. 2024;29(1):101-19.
26. Heidari Soureshjani R, Vafaei A, Dolatyarian K. Measuring and evaluating socio-cultural regeneration projects of public spaces with an approach to improving environmental quality and neighborhood identity (Case study: Historical pedestrian paths of Kashan City). *Urban Planning Geography Research*. 2022(10).
27. Asadi H, Abedini A, Naghibi F. Explaining the conceptual model of the role of urban space in promoting the quality of life in historical contexts. *Journal of Urban Planning Geography Research*. 2021;9(4):1009-31.
28. Asghari Zamani A, Valizadeh Kamran K, Rahmani R. Measuring the quality of urban life by modeling European Barometer indicators (Case study: Qazvin City). *Journal of Economic Geography Research*. 2021;2(4):75-92.
29. Haus M, Klausen JE, editors. *Urban leadership and community involvement: ingredients for good governance? Findings from the PLUS project 2004*.
30. Safaeipour M, Amanpour S, Naderi Chegani Z. Evaluation and analysis of the feasibility of good urban governance in Khorramabad City. *Zagros Landscape Geography and Urban Planning*. 2013;17(17):115-30.
31. Maleki S, Arvin M, Bazrafkan S. Investigating the role of the good urban governance model in achieving a resilient city (Case study: Ahvaz City). *Journal of Urban Knowledge*. 2018;4(2):1-18.
32. Golchini S, Moradi E, Khezrnezhad P. Investigating the good urban governance approach within the framework of the urban management system (Case study: Sanandaj City). *Environmental Management*. 2021;14(52):45-64.
33. Sheikhmohammadi M, Tavalliyat Zavareh M. *Participatory Management Based on the Suggestion System*. Tehran, Iran: Is-Iran Institute; 2023.
34. Roustaei S, Naeimi Motlagh S, Darvishi F. Evaluating the relationship between citizen satisfaction and the local management model based on good urban governance indicators (Case study: Districts 2 and 5 of Tabriz City). *Geography and Urban Space Development*. 2018;2(5):127-44.
35. Khamisabadi J, Aghajani Kasegari H, Movahedi MM, Kabaranzad Ghadim MR. Prioritizing key indicators affecting the development of a sustainable urban logistics network with a social development and human resources approach. *Journal of Iranian Political Sociology*. 2022(27).
36. Motamedi M, Rasouli SH, Nasiri M. Evaluation of citizen satisfaction with urban management performance in the field of municipal services (Case study: Farouj City). *Applied Research in Geographical Sciences*. 2019;19(55):99-116.

37. Plumptre T, Graham J. Governance and Good Governance International and Aboriginal Perspectives. Ottawa, Canada: Institution on Governance; 1999.
38. Arbabi Sabzevari A, Adibi Fath T. Identification of key indicators of citizen satisfaction with the performance of Tehran Municipality development projects using the DEMATEL approach (Case study: Malard Municipality). Journal of Engineering Sciences Elites. 2021;1(6):184-205.
39. Lang FE. An Essential Determination of City Development: World Vision Institute for Research and Development; 2010.
40. Zandieh E. Investigating the performance of municipalities within the framework of the good urban governance approach (Case study: Malayer City Municipality). Environmental Management. 2017;10(39):59-76.
41. European Commission. European Governance: A White Paper. Brussels: Commission of the European Communities; 2011.
42. Askarizadeh Ardestani S, Zarabi A, Taghvaei M. Investigating the status of good urban governance indicators in Arak City. Geography and Regional Development. 2018;1(16):309-35.
43. Cowan R. The Dictionary Of Urbanism: Streetwise Press; 2005. 54-256 p.
44. Roseland M. Sustainable Community Development: Integrating Environmental, Economic, and Social Objectives. Progress in Planning. 2000:49.
45. Kline E, Roseland M. Sustainable Community Indicator. Eco-City Dimension: Healthy Communities; Healthy Planet. Gabriola Island, BC: New Society Publishers; 1997. p. 48.
46. Barton H. Shaping Neighborhoods: A Guide For Health, Sustainability And Vitality: Spon Press; 2003. 33 p.
47. Khosravi S, Ahmadi H, Keshishian Siraki G. Analysis of effective indicators on good urban governance in Zahedan City. Journal of Iranian Political Sociology. 2020;1(3):243-75.